





هندسه‌ی نبرد

شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن
در اندیشه‌ی حضرت آیت‌الله‌العظمی شهید سید علی خامنه‌ای رحمته‌الله
ناشر: انتشارات انقلاب اسلامی
وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله

نسخه‌ی الکترونیکی زمستان ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۰۳-۹۲-۲

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، خیابان شهید صالحی، شماره‌ی ۲۶
مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۴۰۵۱۰۰

فروشگاه قم: ۰۲۵۳۷۷۰۲۸۵۲ - فروشگاه مشهد: ۰۵۱۳۲۲۸۱۲۲۵-۷

تارنما: www.KhameneiBook.ir

پست الکترونیکی: Info@KhameneiBook.ir

سامانه‌ی پیام کوتاه: ۱۰۰۰ ۲۰ ۱۲۰



ویرایش این کتاب بر اساس قواعد ویراستاری
دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله انجام شده است.



سرشناسه: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۴۰۴
عنوان و نام پدیدآور: هندسه‌ی نبرد: شناخت دشمن و روشهای مقابله با آن
در بیانات حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رحمته‌الله.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۴۰۴

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۵۰۳-۹۲-۲

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۴۰۴ - نظریه درباره‌ی دشمنان.

موضوع: خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸-۱۴۰۴ - پیامها و سخنرانی‌ها.

موضوع: تبلیغات ضد اسلامی.

رده‌بندی کنگره: DSR ۱۶۹۲

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۲۹۵۳۲۷۷



فهرست

نقشه‌ی کلی

- ماهیت، واقعیت و ابعاد دشمنی ۱۳
- ضرورت و اهمیت دشمن شناسی ۲۶
- گونه‌ها و ویژگی‌های دشمن ۴۳

دایره‌ی نفوذ

- استکبار جهانی، استعمار فرانو و صهیونیسم ۷۱
- عوامل دشمنی استکبار با جامعه‌ی اسلامی ۸۰
- عوامل و ایادی دشمنان ۹۴

عملیات فنی

- اهداف دشمن ۱۰۱
- شیوه‌ها، ابزار و برنامه‌های دشمن ۱۲۵
- دشمن و رسانه ۱۸۹

فراتر از جنگ

- شناخت و بهره از دین و الگوهای دینی ۱۹۷
- اقدام مؤثر در برابر دشمن ۲۱۰
- نقش ایستادگی مردم در برابر دشمن ۲۵۰

﴿میزهاتف﴾

۲۷۹	خواص و نخبگان
۲۸۸	جناحهای سیاسی و مذهبی
۲۹۳	روحانیت
۲۹۹	مستولان
۳۰۹	نیروهای مسلح
۳۱۸	دانشگاه و مدارس
۳۲۷	جوانان
۳۳۷	مطبوعات و فضای مجازی
۳۴۵	نماز جمعه و ائمه‌ی جمعه

﴿مستظالمات﴾

۳۵۱	امام (قدس سزه) یک دشمن شناس واقعی
۳۵۲	سعی امام (قدس سزه) بر بیان حقایق
۳۵۳	علت دشمنی استکبار با امام راحل (قدس سزه)
۳۵۳	بینش خردمندانه‌ی امام (قدس سزه) در برابر دشمن
۳۵۴	ایستادن امام (قدس سزه) در برابر تهدید و ارباب دشمن
۳۵۵	ایستادن امام (قدس سزه) در مقابل دنیایی از دشمن
۳۵۵	هدف امام (قدس سزه)، استقامت و ایستادگی در برابر دشمنان
۳۵۶	آشنایی امام (قدس سزه) با ریزه‌کاری‌های دشمن
۳۵۷	عدم تردید امام (قدس سزه) در برابر تهدید دشمن
۳۵۸	اهمیت جهاد از منظر امام راحل (قدس سزه) ...

فصل سوّم

عمليّات فيّرب





اهداف دشمن

• مبارزه با اسلام و تضعیف معنویت

هدف دشمنان جهانی - اعم از استکبار و در رأس آن آمریکا و دیگر خرده‌ریزهای دشمن - در هر نقطه‌ی عالم، در مخالفت با انقلاب ما این است که با «اسلام» مبارزه کنند... اینها هدفشان این است که اسلام را از چشمها بیندازند. این در حالی است که اسلام پرچم‌دار حقوق بشر است. حقوق بشر یعنی چه؟ آیا فلسطینی‌هایی که در این سرماي زمستان به وسیله‌ی صهیونیست‌های خبیث، از خانه و کاشانه‌ی خود آواره شده‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ این مسلمانانی که در کشور بوسنی و هرزگوین، از جان‌شان، از خانه‌شان، از میهنشان و از استقلالشان دفاع میکنند و این‌طور زیر فشار قرار گرفته‌اند، بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟... کیست که امروز ترفند و دروغ خباثت‌آمیز مدعیان حقوق بشر را تشخیص ندهد و درک نکند؟^۱

اگر این ملت‌ی که با نیروی ایمان و با شجاعت ناشی از ایمان توانسته کار بزرگی را انجام دهد، یک دشمن داشته باشد، این دشمن چه کار میکند؟ خودتان فکر کنید. راه غلبه‌ی دشمن بر چنین ملت‌ی چیست؟ راه غلبه‌ی دشمن این است که این عامل معنوی را از این ملت بگیرد. این دشمن میداند که تا وقتی در این مردم، همان روحیه‌ی ایمان - آن

۱. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

اخلاص ایمانی، آن شجاعت ایمانی، آن دل‌بستگی به هدفها- باشد، این ملت قابل دسترسی نیست. چه کار باید بکند؟ باید تلاش کند تا ایمان را در آنها ضعیف کند؛ آرمانهای الهی را در ذهن آنها کم‌رنگ کند؛ میان آنها و آن آرزوهای بزرگ فاصله بیندازد.^۱

• ایجاد تزلزل در پایه‌های ایمان مردم

امروز تنها یک راه برای دشمن باقی مانده است... آن راه، عبارت است از محاصره‌ی تبلیغاتی. این تنها راهی است که دشمن می‌خواهد با همه‌ی توان و قوای خود، آن را آزمایش کند. البته تا الان صدها رادیو و روزنامه و مجله و تلویزیون و وسایل گوناگون ارتباط علیه این انقلاب و مفاهیم این انقلاب در همه‌ی دنیا راه انداخته‌اند و داخل ایران هم گسترش داده‌اند- در این شکی نیست- اما می‌خواهند همین را چند برابر کنند و میکنند و همین الان مشغولند. هدف چیست؟ هدف این است که مردم را نسبت به این پایه‌ی مستحکم ایمانی متزلزل کنند؛ البته مهم هم هست.^۲ همه‌ی عقاید سازنده، مورد تهاجم دشمن قرار گرفته است... دشمنان سراغ مجموعه‌ی احکام و مقررات اسلام رفتند- هر عقیده، هر توصیه‌ای از شرع مقدّس که در زندگی و سرنوشت آینده‌ی فرد و جماعت و امت اسلامی تأثیر مثبت بارزی داشته است- و به نحوی با آن کلنجار رفتند، تا اگر بتوانند، آن را از بین ببرند؛ اگر نتوانند، روی محتوایش کار کنند! خب ممکن است شما بگویید که «مگر دشمن چه کاره است؟ چطور دشمن میتواند عقاید اسلامی را کاری کند که از استفاده‌ی مردم خارج شود؟» نه، این خطا است. دشمن میتواند؛ منتها نه در کوتاه‌مدت،

۱. در دیدار جمع کثیری از فرماندهان و رزمندگان عملیات بیت‌المقدس به مناسبت

سالروز آزادی خرمشهر ۱۳۷۸/۳/۳

۲. در دیدار کارگران و معلمان در آستانه‌ی روز کارگر و روز معلم ۱۳۷۷/۲/۹

بلکه در طول سالهای متمادی. گاهی ده‌ها سال زحمت میکشند، برای اینکه بتوانند یک نقطه‌ی درخشان را کور، یا کم‌رنگ کنند، یا نقطه‌ی تاریکی را به وجود آورند! سالهای متمادی می‌نشینند و پول خرج میکنند! یکی زحمت میکشد و تلاش میکند، ولی توفیق نمی‌یابد؛ بعد از او کسان دیگری می‌آیند. روی عقاید دنیای اسلام، از این گونه کارها خیلی شده است. روی عقیده‌ی توحید، عقیده‌ی امامت و اخلاقیات اسلامی - معنای صبر، معنای توکل، معنای قناعت - کار کرده‌اند!^۱

• تشکیک در عقیده‌ی مهدویت

چقدر خطا میکنند کسانی که به اسم روشنفکری و به عنوان تجدّدطلبی می‌آیند و عقاید اسلامی را بدون مطالعه، بدون اطلاع و بدون اینکه بدانند چه کار میکنند، مورد تردید و تشکیک قرار میدهند! اینها همان کاری را که دشمن میخواهد، راحت انجام میدهند!... چند خصوصیت در عقیده‌ی مهدویت هست که این خصوصیات برای هر ملّتی، به منزله‌ی خون در کالبد و در حکم روح در جسم است. یکی، امید است. گاهی اوقات دستهای قلدر و قدرتمند، ملّتهای ضعیف را به جایی میرسانند که امیدشان را از دست میدهند. وقتی امید را از دست دادند، دیگر هیچ اقدام نمیکنند؛ میگویند چه فایده‌ای دارد؟ ما که دیگر کارمان از کار گذشته است؛ با چه کسی دربیفتیم؟ چه اقدامی بکنیم؟ برای چه تلاش کنیم؟ ما که دیگر نمیتوانیم. این، روح ناامیدی است. استعمار این را میخواهد. امروز استکبار جهانی مایل است که ملّتهای مسلمان و از جمله ملّت عزیز ایران، دچار روح ناامیدی شوند و بگویند: دیگر نمیشود کاری کرد؛ دیگر فایده‌ای ندارد! میخواهند این را بزور در مردم تزریق کنند... مردم را از اقتصاد و از فرهنگ مأیوس کنند، متدینین را از

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

گسترش دین مایوس کنند، آزادی‌طلبان و علاقه‌مندان به مسائل فرهنگی و سیاسی را از امکان کار سیاسی، یا کار فرهنگی مایوس کنند و آینده را در نظر افرادی که چشم به آینده دوخته‌اند، تیره‌وتار جلوه دهند! برای چه؟ برای اینکه جوشش و امید را از این مجموعه‌ی انسانی که با امید کار میکند، بگیرند و آن را به یک موجود مرده، یا شبیه مرده تبدیل کنند، تا بتوانند هر کاری که مایلند انجام دهند! با یک ملّت زنده که نمیتوانند هر کاری بخواهند، انجام دهند... اگر ملّتی برای خودش تحرّکی نداشت و ارزش و آینده‌ای برای خود قائل نبود، دشمنان میتوانند بیایند و برایش نقشه بکشند، به او توصیه کنند، به جای او تصمیم بگیرند و عمل کنند! بدون هیچ مانعی این کارها را میتوانند انجام دهند. این ناشی از عدم تحرّک است. عدم تحرّک، ناشی از عدم امید است. لذا سعی میکنند مردم را ناامید کنند!... البتّه وقتی نتوانستند این عقیده را از مردم بگیرند، میکوشند آن را در ذهنهای مردم خراب کنند. خراب کردن این عقیده چگونه است؟ به این صورت است که بگویند امام زمان می‌آید و همه‌ی کارها را درست میکند! این، خراب کردن عقیده است. این، تبدیل کردن موتور محرّکی به یک چوب لای چرخ است؛ تبدیل کردن یک داروی مقوی، به یک داروی مخدّر و خواب‌آور است.^۱

• تضعیف و نفوذ در روحانیت

توطئه‌ی دشمن، در گذشته یک تفاوت با امروز داشت. در گذشته، توطئه‌ی دشمن از روی بی‌تجربگی بود. یعنی آمریکا، استکبار جهانی، کمپانی‌داران بزرگ صهیونیست و امثال آنها که میخواستند با ملّت و انقلاب ایران مبارزه کنند، از روشهای ساده‌تری استفاده میکردند که برای همه، قابل افشا بود. مثلاً تحریک به حمله‌ی نظامی و راه انداختن جنگ،

۱. در دیدار با افشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی (عج) ۱۳۷۶/۹/۲۵

توطئه بود؛ اما همه، این را می‌شناختند. توطئه روشن میشد؛ مردم به پا میخاستند و مقابله میکردند. یا مثل حمله‌ی آمریکایی‌ها به صحرای طبس و از این قبیل، آنچه که انجام دادند - محاصره‌ی اقتصادی، حملات تبلیغی و غیره - کارهایی آشکار بود. به مرور فهمیدند که نمیشود ملت ایران و انقلاب اسلامی را با این توطئه‌ها و کارها شکست داد. این تجربه، موجب شده است که روشهای خودشان را پیچیده‌تر کنند. به همان نسبتی که آنها روشها را پیچیده‌تر میکنند، ملت ایران هم بایستی هوشیاری‌اش را بیشتر کند. جوانان بایستی آمادگی‌شان را بیشتر کنند؛ نه آمادگی جنگی؛ چون امروز بحث جنگ نظامی نیست. البته آمادگی رزمی هم برای روز مبادا ضروری است؛ اما آن چیزی که برای همه لازم است، آمادگی معنوی، یعنی آمادگی فکری، آمادگی روحی، آمادگی سیاسی و حفظ وحدت، اتصال و ارتباط نیروها با یکدیگر، ارتباط مستحکم و دوستانه‌ی ملت و دولت و شناختن چهره‌ی دشمن در هر لباسی است. دشمن با شکلهای مختلفی خود را به مقابله با انقلاب میکشاند. همیشه با لباس نظامی وابسته به فلان دولت بیگانه، جلو نمی‌آید.

چندی قبل، در یکی از اجتماعاتی که درباره‌ی انقلاب و خطرات انقلاب برای استکبار، در یکی از کشورهای بیگانه تشکیل شده بود، بعضی از کسانی که در آنجا سخنرانی کردند، گفته بودند که انقلاب اسلامی، به وسیله‌ی روحانیت و به پشتیبانی جوانان حوزه و دانشگاه پیش رفت و به طور کلی با تکیه به نسل جوان ادامه یافت؛ برای زدن و کوبیدن انقلاب هم باید از همین وسیله استفاده کنیم! باید سراغ حوزه‌ی علمیّه، سراغ یک معمم و سراغ حوزه و دانشگاه برویم؛ بلکه از آن طریق بتوانیم این انقلاب را ضربه بزنیم! غافل از اینکه حوزه‌ی ما بیدار است، دانشگاه ما بیدار است، بزرگان ما بیدارند. کسانی که توطئه میکنند، ملت ایران را بد شناخته‌اند!... ما در شناختن دشمن، دچار اشتباه نخواهیم شد؛ این را دشمن بداند! خیال نکند که اگر آمدند و

چند نفر آدم ساده‌لوح و معمم را وادار کردند که حرفی بزنند، ما اشتباه میکنیم و خیال میکنیم که دشمن ما اینها هستند! اینها کسی نیستند! دشمن، خود را پشت پرده پنهان میکند. دشمن که جلو نمی‌آید و خود را نشان نمیدهد. دشمن سعی میکند شناخته نشود! آن کسی که سینه سپر میکند و به خیال خود جلو می‌آید، یک عامل است؛ ممکن است خودش هم نداند عامل است!

امام بزرگوار، مکرّر میفرمود که گاهی دشمن با ده واسطه، یک نفر را تحریک میکند که حرفی بگوید، یا کاری را انجام دهد! اگر شما بخواهید دشمن را بشناسید، باید ده واسطه را طی کنید و بروید. دشمن انقلاب در ایران - یعنی ایادی استکبار جهانی - راحت میتوانند ده واسطه پیدا کنند و خودشان را در حوزه‌ی قم، به بیچاره‌ای برسانند و او را به حرفی، به گفته‌ای و به یک موضع‌گیری غلط و ناشیانه وادار کنند! آن قدر در کشور، ورشکستگان سیاسی، ضربت خورده‌های از انقلاب، تودهنی خورده‌های از همین بسیج، ضربت خورده‌های از دادگاه‌های انقلاب، ساواکی‌های قدیم و کسانی که امیدشان به این بود که نظام مزدور گذشته‌ی ظالم بماند و آنها از آن استفاده کنند و محروم ماندند، هستند که واسطه بشوند تا آن ده واسطه را درست کنند و خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوک بدهند و او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد؛ خودش و دیگران و زن و بچه‌ی خود را به بلا بیندازد!

• براندازی یا استحاله‌ی جمهوری اسلامی

هدفهایی که آنها^۱ دنبال میکردند، در درجه‌ی اول، سقوط انقلاب و

۱. در دیدار جمعی از بسیجیان ۱۳۷۶/۹/۵

۲. منظور دشمنان است.

سقوط نظام جمهوری اسلامی بود. هدف اول، براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند، اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند؛ که آخرین نمایشنامه‌ی آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه‌ی ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود. یک عده‌ای در داخل، به خاطر حبّ به نفس، حبّ به مقام - از این قبیل امراض خطرناک نفسانی - اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام؛ طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه، در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم. هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی میماند، از عناصر ضعیف‌التّفسی که میتوان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور، در واقع طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد - عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد - در مقابل آمریکا نایستد، قد علم نکند. اهداف اینها است.^۱

آنها برای حمله‌ی به جمهوری اسلامی استدلال دارند. به نظر من استدلالشان از دیدگاه آنها استدلال تامّی است. در یک نقطه‌ی بسیار حسّاس جهان از لحاظ جغرافیایی، یعنی این نقطه‌ی خاورمیانه، خلیج فارس، دریای سرخ، شمال آفریقا، بخشی از مدیترانه - این حوزه‌ی عظیمی است دیگر - مجموعه‌ی امت اسلامی واقع شده. الان شما ببینید از این پنج تا، شش تا گذرگاه آبی حسّاس حیاتی که در دنیا وجود دارد، سه تایش توی این منطقه است: تنگه‌ی هرمز است، کانال سوئز است، باب‌المندب است. اینها گذرگاه‌های مهمّی است که

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

تجارت جهانی متوقف به اینها است... بنابراین، این منطقه، منطقه‌ی حسّاسی است. حالا در این منطقه‌ی بسیار حسّاس، یک قدرتی دارد قد میکشد و روزه‌روز خودش را بیشتر نشان میدهد. این قدرت با همه‌ی خواسته‌های استکباری و دستگاه‌های کمپانی‌ها و شبکه‌های عظیم اقتصادیِ مفسد فی‌الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است... با ظلم مخالف است؛ خب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متّحده‌ی آمریکا نیست... دستگاه استکبار یک شبکه‌ی عظیم‌تری است که شامل اینها است؛ شبکه‌ی صهیونیستی هست، شبکه‌ی تجّار اساسی بین‌المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست.^۱

• سلطه بر کشور

من یادم است که در شورای انقلاب، بعضی از افراد هیئت دولّت آن روز که در شورای انقلاب شرکت می‌جستند، کار دانشجویان را تخطئه میکردند و میگفتند چرا به سفارت آمریکا رفتند؟! اینها دلشان آن طرف بود. کسانی که دلشان آن طرف است، الان هم هستند. اینها به چیزی به نام استقلال ملّی، هویت ملّی، شخصیت و عزّت ملّی باور ندارند. تربیتهایشان طوری است که به آنها اجازه نمیدهد درست بفهمند که حضور یک قدرت استکباری در یک کشور، چقدر برای یک ملّت، زیان‌بار و سنگین است. دستورات اسلام هم برای بعضی از آنها چندان اهمّیت و ارزشی ندارد. اینها همیشه یک اقلّیت کوچک بودند؛ امروز هم هستند. البتّه فعالیت میکنند، تبلیغات میکنند، تبلیغات دشمنان اسلام را ادامه میدهند؛ اما دل متن مردم، بخصوص جوانان - دانشجویان، دانش‌آموزان و سایر قشرهای مختلف جوان - هر جا هستند، درک میکنند که برای یک ملّت،

۱. در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی ۱۳۸۸/۶/۴

بزرگ‌ترین اهانت این است که تسلیم قدرت استکباری بیگانه باشد. هر کس که اهل تحلیل باشد، این معنا برایش روشن است که امروز آمریکا برای ایران هیچ نقشه‌ای جز نقشه‌ی استکباری ندارد؛ یعنی بازگشت به وضعیّت قبل از انقلاب!... بعضی حتّی سعی میکنند روز سیزده آبان را - که روز مقاومت در مقابل استکبار است - به روز نرمش در مقابل آمریکا تبدیل کنند! اگر نگوییم ساده‌لوحی است، ناچاریم بگوییم خیانت است؛ منتها چون انسان نمیخواهد بگوید خیانت، لابد این کارها از روی ساده‌لوحی و غفلت است... بدون تردید ملت ایران در مقابل این طمعهای استکباری، با قدرت تمام خواهد ایستاد.^۱

• تدارک اتّحاد ضدّ جمهوری اسلامی

آمریکایی‌ها دنبال این هستند که یک اتّحادی متشکّل از آمریکا و انگلیس و بعضی دولتهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران درست کنند. دولتهای عربی باید خیلی بیدار باشند؛ باید حواسشان خیلی جمع باشد. اتّحاد دو دولت نحس نحس و دشمن با مصالح مسلمین علیه یک ملت مسلمان؛ یک ملّتی که در راه اسلام این همه مجاهدت کرده است،... که البتّه فایده‌ای هم نخواهد کرد. یک روزی بالاتر از این اتّحاد را هم کردند؛ آمریکا و انگلیس و شوروی و همه‌ی اروپا و بسیاری از همین کشورهای عربی در جنگ تحمیلی علیه جمهوری اسلامی با هم متحد شدند؛ هدف هم این بود که قسمتی از خاک ایران را به وسیله‌ی این بدبختِ روسیاه بدعاقبت تصرف کنند و جمهوری اسلامی را بی‌آبرو کنند و بگویند نتوانست خاک خودش را حفظ کند؛ هشت سال هم زور زدند و همه‌ی نیرویشان را به کار گرفتند، آخر هم هیچ غلطی نتوانستند

۱. در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سالروز تسخیر لانه‌ی جاسوسی آمریکا (روز ملّی مبارزه با استکبار جهانی) ۱۳۷۸/۸/۱۲

بکنند. حالا هم همان‌طور است. توطئه‌ی آنها علیه نظام اسلامی به جایی نخواهد رسید. ولی باید بیدار باشند و مراقب باشند در دام دشمنان نیفتند. هر چه جمهوری اسلامی از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری و از لحاظ اجتماعی قدرت پیدا کند، این قدرت متعلق به دنیای اسلام است؛ یک وزنه‌ی سنگینی در کفه‌ی دنیای اسلام است.^۱

دشمن جهاز فکری خودش را به کار انداخته، برای اینکه ببیند چه وقت میشود ضربه زد. درست مثل میدان جنگ! همین‌طور که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: «وَإِنَّ أَخَا الْحَرْبِ الْأَرْقُ وَ مَنْ نَامَ لَمْ يُنْمَ عَنْهُ»^۲؛ شما اگر داخل سنگر خوابت ببرد، دلیل بر این نیست که سنگرنشین روبه‌روی شما هم خوابش برده است. شما اگر غافل شدی، باید انتظار داشته باشی که ضربه را، بلافاصله بخوری! دشمن، هوشیار نشسته است. میلیون‌ها دلار، بلکه اگر مبالغه نباشد میلیاردها دلار صرف میکنند، تا بتوانند ضربه‌ی کاری را به این انقلاب بزنند. اینها که با این انقلاب آشتی‌بکن نیستند. هر وقتی به گونه‌ای در صدد وارد آوردن ضربه‌اند.^۳

تا وقتی که قلم در دست دشمن باشد و هر چه به قلمشان می‌آید علیه ملت ایران بنویسند و هر چه به دهانشان می‌آید بگویند، نمیشود گله کرد فلان انسان که اهل کشور عربی، آفریقایی یا اروپایی است، چرا از وضع ایران خبر ندارد؟ البته ما به قدر توسعه‌ی تبلیغات خودمان و رسانه‌ها تبلیغ میکنیم؛ اما شمول تبلیغات دشمن بیشتر است و ده‌ها رادیو، صدها روزنامه و مطبوعات علیه جمهوری اسلامی مینویسند.^۴

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم قم در سالروز عید سعید غدیرخم ۱۳۸۵/۱۰/۱۸

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۶۲

۳. در دیدار نمایندگان دوره‌ی چهارم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۱/۳/۲۰

۴. در دیدار با مردم مشهد و زائران حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) در صحن حضرت امام خمینی (ع) ۱۳۷۵/۱/۴

• مخدوش کردن چهره‌ی انقلاب اسلامی

دشمنان اسلام و انقلاب، با یاد دوران پیروزی انقلاب دشمنند؛ اما علی‌رغم میل آنها، خاطره‌ی انقلاب را بزرگ بشمارید. همیشه دشمنان ما خواسته‌اند به این انقلاب خدشه وارد کنند و سیمای منور امام را مخدوش نمایند. شما با گرامیداشت دهه‌ی فجر، تمایل دشمن را خنثی کنید.^۱

یکی از چیزهایی که از اوّل انقلاب از طرف دشمنان شروع شد، همین بود که رواج سگه‌ی انقلاب را در دنیا انکار کنند؛ بگویند انقلاب منزوی است و کسی آن را قبول ندارد. الان هم همان حرفهایی را می‌زنند که بیست سال پیش می‌گفتند. آن روز دروغ بود، امروز هم دروغ است. مفاهیم انقلاب در دنیا زنده است. آنچه را که ما به آن معتقدیم -مردم‌سالاری دینی، خضوع در مقابل دین حق و ارزشهای دینی و اخلاقی، نفرت و معارضة با قدرتهای زورگو، قائل بودن حق برای همه‌ی انسانها و انسانیت- مفاهیمی است که همه‌ی ملّتها آنها را قبول دارند؛ می‌پسندند و می‌پذیرند. البتّه تبلیغات دشمنان، قوی است. من بارها گفته‌ام: امروز زر و زور و تزویر با هم در اختیار استکبار است و تزویرشان به وسیله‌ی همین بوقهای تبلیغاتی است.^۲

• جلوگیری از تفکّر نو و پیشرفت علمی

انقلاب مانند هر حرکت اجتماعی عظیم ماندگار، احتیاج به سوخت دارد؛ این ماشین بدون سوخت متوقّف میشود؛ سوخت فکری. روزبه‌روز با توجه به تحولات جهانی، با توجه به حوادث جدید، سؤالها و ابهامهای تازه‌ای در ادامه‌ی این راه مطرح است. از طرفی، قبل از آنکه نوبت

۱. برگرفته از دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۱۱/۴

۲. در دیدار گروه کثیری از اعضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۸۱/۶/۲۴

به عمل برسد، نوبت فکر و پردازش تفکر راهنما است و این، خاصّ آشنایان به مبانی اسلام است؛ و بدیهی است که دشمنان، همین نقطه را هم مثل بقیّه‌ی نقاط حسّاس هدف میگیرند. بنابراین، فضایی برجسته‌ی حوزه، نباید گوششان بدهکار تلاش دشمن باشد و باید بدانند که فکر جدید، مفاهیم جدید و راه‌های نو، مدد فکری برای پیشرفت این حرکت است. امروز ما نسبت به اوایل انقلاب درباره‌ی مبانی نظام اسلامی، به برکت تلاش دین‌شناسان و عالمان - چه در دانشگاه، چه در حوزه - روشن‌بینی‌های بیشتر و مفاهیم تازه‌تری را در اختیار داریم، که این پشتیبانی فکری باید ادامه پیدا کند. امروز چشم دنیا به شما است؛ «حاليا! چشم جهانی نگران من و توس»^۱.

رمز پیشرفت یک کشور، یعنی آن محور اصلی برای اقتدار یک کشور، پیشرفت همراه با اقتدار، علم است. آماج بسیاری از توطئه‌های امروزی که علیه جمهوری اسلامی هست، علم و اهل علم و دانشجویان علم و محیط علمی است؛ این را توجّه داشته باشید.^۲

دشمن میخواهد دانش ما پیشرفت نکند؛ دانشگاه‌های ما به جای درس خواندن، به کارهای دیگر پردازند؛ ایمان نسل جوان تقویت نشود و جوان مؤمن تبدیل شود به جوان هوس‌ران. دشمن میخواهد وحدت بین نیروهای ما نباشد و برادران تبدیل شوند به دشمنان. دشمن میخواهد ما صفا و نورانیت و معنویت نداشته باشیم و جوان ما به یک عنصر مادی و بی‌عاطفه تبدیل شود؛ این چیزی است که دشمن میخواهد. امروز همه وظیفه دارند در مقابل این، حرکت کنند.^۳

۱. اشاره به بیت‌ی از هوشنگ ابتهاج (سایه): «روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید/ حالیا

چشم جهانی نگران من و توس»

۲. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۸۴/۱۰/۱۹

۳. در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۱۳۸۸/۸/۶

۴. در دیدار گروه کثیری از جوانان استان اردبیل ۱۳۷۹/۵/۵

نخبه‌ی علمی و اساساً دانشگاه، جزو ارکان پیشرفت کشورند؛ یعنی یک رکن مهم پیشرفت کشور، دانشگاه و در دانشگاه هم عمدتاً نخبگان علمی هستند. اینکه شما می‌بینید در مقاطع مختلف، نه فقط حالا دیروز و پریروز، تلاش شده که دانشگاه‌ها تعطیل بشود، کلاسها تعطیل بشود، بچه‌ها سر کلاس نروند، استاد نرود و از این کارها، ناشی از این است؛ چون دانشگاه نقش اساسی دارد. حالا آن کسی که استاد را تلفنی تهدید میکند که اگر بروی، چنین و چنان، معلوم نیست خودش عامل اصلی باشد؛ عامل پشت صحنه مهم است... دانشگاه یکی از بزرگ‌ترین موانع در مقابل سلطه‌ی استکبار است؛ ما باید این را بدانیم.^۱

• ایجاد ناامنی و هرج و مرج از طرق مختلف

یکی از هدفهای دشمن این است که با تحریک احساسات، در کشور ایجاد ناامنی کند. من قویاً توصیه می‌کنم که به خاطر احساسات و به خاطر طرف‌داری از فلان کس، مبدا بر خلاف قانون اقدامی شود. من به هیچ وجه اجازه نمی‌دهم. دشمن وقتی بخواهد ایجاد اغتشاش و درگیری کند، برایش چندان مشکل نیست که چهار نفر مزدور را در بین بچه‌های مؤمن، بچه‌های حزب‌اللهی و بچه‌های صادق بفرستد؛ به عنوان طرف‌داری از رهبری، به عنوان اینکه رهبری مظلوم واقع شده، بیااید کمک کنید؛ سپس جنجال درست کنند! مراقب نفوذی‌ها باشید. من می‌خواهم فقط شما بدانید؛ می‌خواهم افکار عمومی بی‌خبر نماند از اینکه دشمن در زمینه‌ی مسائل فرهنگی در کشور چه میکند و هدفهایش چیست. هدفهای دشمن از این کارها عبارت است از بی‌ایمان کردن، ایجاد گسست بین نسل کنونی و نسل گذشته و کوچک کردن افتخارات بیست سال اخیر. همه‌ی مردمان بافرهنگ در کشورها

۱. در دیدار نخبگان و استعدادهای برتر تحصیلی ۱۴۰۱/۷/۲۷

سعی میکنند افتخارات گذشته‌ی خودشان را بزرگ کنند. این جنگ هشت ساله و این دفاع مقدّس، از بزرگ‌ترین افتخارات ملت ایران بود. همه‌ی دنیا -ناتو، کشورهای بلوک شرق، خود آمریکا، کشورهای مرتجع منطقه- با هم همدست شدند، به عراق کمک کردند و به ایران فشار آوردند؛ اما نتوانستند یک وجب از خاک این کشور را اشغال کنند.^۱

در این حادثه‌ای که پیش آمد، دختر جوانی درگذشت؛ خب حادثه‌ی تلخی بود، دل ما هم سوخت، ولی واکنش به این حادثه بدون اینکه تحقیقی شده باشد، بدون اینکه هیچ گونه امر مسلمی وجود داشته باشد، این نبود که یک عده‌ای بیایند خیابان را ناامن کنند، ناامنی را برای مردم به وجود بیاورند، امنیت را به هم بزنند، قرآن را آتش بزنند، حجاب از روی سر زن محجّبه بکشند، مسجد و حسینیه را به آتش بکشند، بانک را به آتش بکشند، ماشین‌های مردم را آتش بزنند. واکنش به یک قضیه‌ای که حالا تأسف‌آور هم هست، موجب نمیشود که یک چنین حرکاتی انجام بگیرد؛ این حرکات عادی نبود، طبیعی نبود. این اغتشاش برنامه‌ریزی داشت؛ این اغتشاش برنامه‌ریزی شده بود. اگر قضیه‌ی این دختر جوان هم نبود، یک بهانه‌ی دیگری درست میکردند برای اینکه امسال در اوّل مهر -به دلیلی که عرض خواهم کرد- در کشور ناامنی درست کنند، اغتشاش درست کنند. چه کسی این را برنامه‌ریزی کرده؟ بنده به صراحت میگویم این برنامه‌ریزی کار آمریکا، کار رژیم غاصب و جعلی صهیونیستی و دنباله‌روهای آنها است؛ نشسته‌اند برنامه‌ریزی کرده‌اند. عمّله و مزدوران و حقوق‌بگیران آنها، بعضی از ایرانی‌های خائن هم که در بیرون از کشور هستند، به اینها کمک کردند.^۲ دشمن میخواهد در کشور هرج و مرج شود؛ بی‌ایمانی باشد؛ بی‌اعتمادی

۱. در دیدار با جوانان در مصلّای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

۲. در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه افسری نیروهای مسلّح ۱۴۰۱/۷/۱۱

به حکومت باشد و در سایه‌ی این هرج و مرج و اغتشاش، یک دیکتاتوری مثل دیکتاتوری رضاخان را سرکار بیاورد؛ همان چیزی که یک بار در اوایل این قرن در دوره‌ی رضاخان و یک بار هم در ۲۸ مرداد در ایران تجربه شد. ۲۸ مرداد هم همین‌طور شد؛ گروهی از ایادی داخلی آنها تبلیغات و جنجال و هیاهو راه انداختند و اغتشاشگران به خیابانها ریختند. به دنبال آن، کنار زدن روحانیت و ناامیدی مردم و آمدن آمریکا بود و دیکتاتوری سخت و سیاه دوران محمد رضا آغاز شد. امروز میخواهند آن کارها را بکنند.^۱

• خارج کردن مردم از عرصه‌های انقلاب اسلامی

همه‌ی تلاش دشمن این بود که مردم را از عرصه‌ی عظیم انقلاب خارج کند. پاسخ شما مردم، آن‌چنان بوده است که در همه‌ی سالهایی که بر این انقلاب می‌گذرد، در میدانهایی که باید حضور مردم در آن آشکار شود، پاسخ شما به استکبار جهانی، کوبنده‌تر و صریح‌تر و قاطع‌تر بوده است.^۲ پیش‌بینی‌ها از قبل از انقلاب این بود که چون در مجموعه‌ی ملت ایران، اقوام مختلف حضور دارند و زبانهای مختلف رایج است، پس زمینه‌ی اختلاف زیاد است؛ اما خلافتش ثابت شد و همه دیدند که ملت ما یک ملت متحد و متفق است. شما ببینید در مراسم گوناگون و در صحنه‌هایی که جای ابراز عقیده نسبت به یک مسئله‌ی سیاسی است - مثل مراسم «روز قدس» که پیروز برگزار شد و شما ملاحظه کردید که چه غوغایی در سراسر ایران، چه در شرق و غرب و چه در مرکز بود - ملت یکپارچه‌ی ما چگونه وحدت خود را به نمایش می‌گذارند! اقوام مختلف، در هر جا که هستند - فارس‌شان، ترکشان،

۱. در دیدار اعضای ستاد نماز جمعه ۱۳۸۱/۵/۵

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

کردشان، عربشان، بلوچشان و ترکمنشان۔ همه یکسان حرکت میکنند، یک شعار میدهند و یک حرف را میزنند. این همه، نشانگر وحدتی عجیب و بزرگ است. نوبت انتخابات هم که میرسد، مردم همین‌طور شرکت میکنند. نوبت دفاع مقدّس هم که میرسد۔ جنگ هشت‌ساله‌ی ما۔ مردم همین‌گونه از همه جا شرکت میکنند؛ همه شهید میدهند؛ همه برای خدا وارد میدان میشوند و همه حول یک احساس وظیفه‌ی مشترک، اقدام میکنند. حتّی در دوران دفاع مقدّس، در بین داوطلبان ما۔ سرباز وظیفه که به جای خود محفوظ۔ هم‌میهنان غیر مسلمان هم شرکت داشتند. مسیحیانی بودند که داوطلبانه به میدان جنگ رفتند و جانشان را هم در این راه فدا کردند. اینها را دیدیم، شناختیم و می‌شناسیم. یعنی وحدت عجیبی در میان ملّت ما وجود دارد؛ با اینکه دشمن هم برای از بین بردن آن خیلی کار کرده است. بنابراین، در داخل کشور ایران اسلامی، به برکت حاکمیت اسلام و به برکت وجود محورهای اساسی وحدت‌آفرین، هر دو محور ذکر الهی و وحدت عمومی تأمین است و در آینده هم ان‌شاءالله مثل گذشته خواهد بود. نگرانی، بابت امت اسلامی است؛ چون متأسفانه در سطح امت اسلامی، شرایط، این‌گونه نیست.^۱

• تحریف حقایق و تحریف تاریخ

از اوایل انقلاب، یکی از اهداف مهمّ دشمن، تحریف حقایق و تاریخ بود. اگر یک وقت در داخل کشور حنجره یا قلم مزدوری پیدا میشد که حقایق جنگ و انقلاب و اسلام را تحریف میکرد، میدیدید فریادهای تشویق از اطراف دنیا بلند میشود. امروز نیز همین‌طور است... تبیین، موضوع بسیار مهمّی است. انسانها تابع بینش و دید خودشان هستند.

۱. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

اگر کسی بتواند حقایق را در چشم مردم تحریف کند، یعنی در واقع عمل و بازو و اراده‌ی مردم را به سمت گمراهی کشانده است. این همان چیزی است که دشمن میخواهد. امروز اگر کسانی علیه اسلام و مقدّسات و مجاهدتهای این ملت قلم فرسایی کنند و چیزی بنویسند، اگر کسانی علیه بهترین فرزندان این کشور - یعنی شهیدان ما و مجاهدان راه خدا - اظهار نظری کنند و ریشی بجنبانند، اگر کسانی علیه بسیج و جهاد و شهادت حرفی بزنند و چیزی بنویسند، می‌بینید مورد تشویق رادیوها و سیاستمداران و نویسندگان خارجی قرار میگیرند. امروز همه‌ی افراد - چه کسانی که بیاناتشان در حوزه‌های وسیع کاربرد دارد، چه کسانی که در حوزه‌های کوچک‌تر سخنانشان مؤثر واقع میشود؛ مثل مدرسه و کلاس و دانشگاه و محیط‌های کارگری و غیره - مسئولند و اگر دیدند حقایق و محکّمات اسلام و انقلاب مورد تحریف قرار میگیرد، وظیفه دارند تبیین کنند؛ نباید سکوت کنند. امام به این نکته بسیار توجّه میکرد. و این یکی از چیزهایی است که راز استحکام و ماندگاری و پایداری نظام در آن مندرج است.^۱

• هویت‌زدایی و ایدئولوژی‌زدایی

شما امروز می‌شنوید در خیلی از بیاناتی که در روزنامه‌ها و در فضای مجازی پخش میشود، مسئله‌ی ایدئولوژی‌زدایی به عنوان یک کار لازم [مطرح میشود]؛ این همان هویت‌زدایی است. ایدئولوژی، تفکر، ارزشها، هویت یک ملت است. امروز قبله‌ی اینها آمریکا است و آمریکایی‌ها دائم روی ارزشهای آمریکایی تکیه میکنند که ارزشهای آمریکایی این جور میگوید، ارزشهای آمریکایی این جور میخواهد - ارزشهای آمریکایی یعنی همان ایدئولوژی - [اما] اینها حاضر نیستند این را از آمریکا یاد بگیرند.

۱. در اجتماع زائران مرقده مطهر امام خمینی (ع) ۱۳۸۰/۳/۱۴

اینکه گفته میشود ایدئولوژی‌زدایی که بایستی در داخل ایدئولوژی‌زدایی بشود، یعنی هویت فکری جامعه که مظهر مهمّش هم دانشگاه و دانشجو است بایستی از بین برود؛ هویت‌زدایی یعنی این: مبانی اندیشه‌ای و رویکردهای تاریخی و ملی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی یک کشور تحقیر بشود، گذشته‌ی انقلاب تحقیر بشود، کارهای بزرگی که انجام گرفته کوچک‌نمایی بشود؛ و البته عیوبی وجود دارد و این عیوب هم ده برابر بزرگ‌نمایی بشود؛ هویت‌زدایی یعنی این. آن وقت به جای این هویت، منظومه‌ی فکری غرب جایگزین بشود؛ که یک نمونه‌اش همین سند ۲۰۳۰ آمریکایی‌ها است که این، مظهر سلطه‌ی نواستعماری غربی در زمان ما است؛ یعنی یکی از نمونه‌هایش این است.... امروز ما ده‌ها میلیون جوانی داریم در کشور که اینها آماده‌ی صعود به قله‌هایند... حالا بعضی‌ها با انگیزه‌های دینی و انقلابی، بعضی هم نه، ممکن است انگیزه‌ی انقلابی و دینی هم نداشته باشند اما آماده‌اند... اینها بایستی از کار بیفتند، مأیوس بشوند، به قله‌ها پشت کنند، راه رفته را قدرناشناسی کنند، نفّسهای سرد و مسموم در شیپور ناامیدی بزنند و مجموعه‌ی جوان را ناامید کنند. امروز این کار دارد انجام میگیرد؛ باید در مقابل اینها ایستاد؛ باید ایستاد.^۱

• آرمان‌زدایی

آرمان‌زدایی یعنی بی‌تفاوت کردن افراد نسبت به فقر و فساد و تبعیض؛ نسبت به این سه شیطان بزرگ و سه عنصر پلید در جامعه‌ی منحرف –فقر و فساد و تبعیض– که باید از بین برود، باید با این مبارزه بشود، اینها را بی‌تفاوت کنند؛ بی‌تفاوت شدن نسبت به سلطه‌ی فرهنگ غربی، کم‌انگیزه شدن درباره‌ی شاخصهای انقلاب اسلامی... شاخص

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۲/۶

ایستادگی در برابر ظلم، شاخص زیر بار زورگویی رفتن، شاخص باج ندادن... اینها شاخصهای ایران اسلامی است، اینها دنیا را و کشورهای اسلامی را تکان داده، ملت‌ها را متوجه ایران کرده. هر رئیس‌جمهوری از رؤسای جمهور ما در این سالهای متمادی با گرایشهای مختلفی که داشتند - گرایشهای بعضی‌ها از لحاظ سیاستها و تفکرات، نقطه‌ی مقابل هم بوده - در یک کشور خارجی در [بین] مردم حضور پیدا کردند، مردم برایشان شعار دادند و نسبت به آنها ابراز ارادت کردند؛ علتش چیست؟ پرچم جمهوری اسلامی چرا در کشورهای مختلف به دست مردم باز میشود، [اما] پرچم آمریکا را میسوزانند؟ دنیا را این شاخصها تکان داده، آن وقت [میخواهند] این شاخصها را در داخل کشور کم‌رنگ کنند و [افراد را] نسبت به آنها بی‌انگیزه کنند. شاخص بازگشت به اسلام ناب و ردّ تحجّر و واپس‌گرایی، شاخص ایستادگی در قضیه‌ی فلسطین... حالا [اینکه] آن کسانی که هویت‌زدایی میکنند، آرمان‌زدایی میکنند، استقلال‌زدایی میکنند، چه کسانی هستند، چقدر هستند، چقدر موفق میشوند، بحث دیگری است؛ این بحث به عهده‌ی شما؛ بنشینید در جلساتتان اینها را بحث کنید، بررسی کنید، تحقیق کنید، پیدا کنید، اما بدانید چنین چیزی وجود دارد که البته قاعدتاً هم میدانید. اینها دغدغه‌ها است.^۱

• تخریب عزّت ملی

ملت ما را در طول سالهای متمادی به یک ملت وابسته تبدیل کرده بودند؛ ملت ما را با تبلیغات پیوسته، از فرهنگ خود، از اعتماد به خود تهی کرده بودند؛ ملت ما را به خود بی‌اعتماد و ناامید کرده بودند. ملتی با این سابقه‌ی تاریخی، در این موقعیت حسّاس جغرافیایی، با

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۴۰۱/۲/۶

این همه استعداد انسانی و طبیعی نهفته‌ی در این سرزمین، تبدیل شده بود به وسیله‌ای برای استفاده و بهره‌برداری قدرتهای بیگانه؛ مدّتی انگلیس، بعد هم آمریکا؛ اما این انقلاب ما را بیدار کرد؛ ما را به خود آورد؛ این همان حرکت عاشورایی بود. این اقدام بزرگ، سرنوشت و راه ما را عوض کرد. ما امروز در راه عزّت، در راه استقلال، در راه استفاده از استعدادهای طبیعی و انسانی خودمان حرکت میکنیم و پیش رفته‌ایم و دنیا هم تا حدود زیادی به این اعتراف کرده و آن را قبول کرده است؛ چاره‌ای ندارد؛ اما ما باید این راه را ادامه بدهیم. هیچ ملّتی با تنبلی و تن‌آسایی نخواهد توانست به عزّت برسد. رسیدن به استقلال، رسیدن به عزّت ملّی، رسیدن به کرامت انسانی، برای یک ملّت هزینه دارد، که باید این هزینه را متحمّل شد و باید تلاش کرد؛ باید به عاقبت کار، امیدوارانه و واقع‌بینانه نگاه کرد، که یک نگاه واقع‌بینانه، امید به انسان خواهد بخشید. این دشمن است که میخواهد شما را مأیوس کند.^۱

• اخلال در وحدت ملّی و ایجاد فشار برای سازش‌کاری

اقبال ملّتهای مسلمان در همه جای دنیای اسلام – بعضی جاها با شتاب بیشتر و بعضی جاها با شتاب کمتر – به امور معنوی و دینی، روزه‌روز زیاد شده است. اما موضوع وحدت، موضوع یکپارچگی، موضوع یک‌جهتی دنیای اسلام و موضوع «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»^۲، که قرآن ما را به آن امر میکند، متأسفانه، آن گونه که باید باشد، نیست و این کار دشمن است. ملّتهای اسلامی مایل به اتّحادند؛ اما دشمن تلاش ویژه‌ای برای اخلال در این امر انجام میدهد؛ یعنی از طرق مختلف سرمایه‌گذاری مادی و معنوی مخصوصی برای ایجاد تفرقه میکند

۱. در دیدار کارکنان نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸

۲. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۰۳؛ «و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید.»

که بخشی از این سرمایه‌گذاری، مربوط به سابق است و مثل تقویت ناسیونالیست‌های افراطی، از قبل از انقلاب است.^۱

دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب میکند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ یعنی به تخریب ایمانها و باورها و اعتقاداتی که این ملت را از یک عقب‌افتاده‌ی توسری‌خور، به یک ملت پیشرو و شجاع و میدان‌دار در دنیا تبدیل کرد، پردازند. این حرکت، با اعتقادات و باورهایی انجام گرفت؛ بدون این باورها که انسان حرکت نمیکرد و این ملت پیش‌نمیرفت. دشمن میخواهد این باورها را در ذهن ملت ما تخریب کند. سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم... اسم این تخریبها را هم «اصلاح» می‌گذارند!^۲

• ایجاد ناامیدی و سستی در مردم

اگر دشمن بتواند مردم ما را، جوانان ما را، قشرهای ما را، نسبت به آینده‌ی این حرکتشان ناامید کند، ضربه‌ی خود را زده است. این خطر عمده است. لذا شما می‌بینید با انواع و اقسام روشها، بیانها، زبانها و شیوه‌ها سعی میکنند دلها را نسبت به تداوم این حرکت پرافتخار اسلامی مردّد و مأیوس کنند و امید را از آنها بگیرند. این مهم‌ترین خطر است.^۳

دشمن، همان عنصری است که میخواهد یک ملت و یک کشور را از ابزارهای اقتدارش تهیدست کند. ابزارهای اقتدار و عزّت کنونی

۱. در دیدار کارگزاران نظام، به مناسبت عید سعید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

۳. در اجتماع بزرگ عزاداران در صحن مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۷۹/۳/۱۴

ملت ما چیست؟ ایمان، عزم راسخ الهی، کار برای خدا، احساس سربازی دین خدا. اینها است که ملت ما را عزیز کرده است؛ اینها است که انسانهای پولادین به وجود آورده است و می‌آورد و میتوانند مقابله کنند... بعضی‌ها که شاید دشمن هم نیستند، ندانسته، نفهمیده و با غفلت کارهایی میکنند که نتیجه‌ی آن کارها، بی‌ایمانی مردم، نومیدی مردم و تردید و تزلزل روحی در مردم است.^۱

• تضعیف استقلال و اقتدار

هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خودجوش و درون‌زا برساند، آن چیز مبعوض مراکز قدرتی است در دنیا که همه‌ی دنیا را برای خودشان میخواهند.^۲

هر نقطه‌ای را که دشمن هدف میگیرد و استکبار و صهیونیسم آن را آماج قرار میدهند، شما بدانید آن نقطه یکی از نقاط اصلی اقتدار ملت ایران است؛ میخواهند این اقتدار را در هم بشکنند.^۳

• هجمه به امنیّت اجتماعی و قانون اساسی

امروز دشمنان، امنیّت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند؛ این چیزی است که به طور واضح و جلوی چشم، همه می‌بینند و مشاهده میکنند. دشمنانی که با اساس جمهوری اسلامی مخالفند، امروز بهترین راه اعمال مخالفت خود را در این پیدا کرده‌اند که امنیّت کشور را به خطر بیندازند. علاوه بر امنیّت اخلاقی و فرهنگی که چند سال است دشمن روی آن با شدّت کار میکند - که مکرّر به عنوان هشدار به

۱. در دیدار جمعی از کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران به مناسبت روز ارتش

۱۳۷۸/۷/۲۵

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۳/۸/۱۵

۳. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۸۱/۹/۱۵

مسئولان، تهاجم فرهنگی دشمن را یادآور شده‌ایم. و علاوه بر امنیت سیاسی که دشمن در حرکت سیاسی کلان نظام می‌خواهد اختلالاتی ایجاد نماید، امروز در صدد است امنیت اجتماعی و مدنی مردم را از بین ببرد.^۱

در نگاه واضحی که انسان به مسائل میکند، میتواند چند نقطه را بروشنی پیدا کند. یک نقطه، نظریه‌ی حکومت اسلامی است. این، یکی از موارد آماج حملات دشمن است. یا به مبانی اسلام، یا به قانون اساسی و یا به برخی از بخشهای برجسته‌ی نظام اسلامی که علامت و شاخصه‌ی نظام است، تهاجم فکری و نظری میشود. این تهاجم از تهاجم عملی کم‌اهمیت‌تر نیست؛ چون... تکیه‌ی نظام اسلامی به قدرت مردم است. قدرت مردم هم با ایمان آنها است؛ اگر مؤمن باشند، دفاع خواهند کرد؛ اما اگر پایه‌ی ایمان سست شد، این پشتیبانی و این دفاع به مرور از بین خواهد رفت. بنابراین چیزی که ایمان و اعتقاد راسخ مردم را هدف گرفته است، نباید دست‌کم گرفت. علاج این کار، پیکار نظری است. یک حرکت علمی در این زمینه لازم است.^۲

• مقاومت‌شکنی و اتحادشکنی

ملت ایران، به فضل پروردگار در مقابل همه‌ی فشارها و تهدیدهای دشمنان مقاومت کرده است؛ آن هم مقاومتی بسیار با عظمت و باشکوه. همین مقاومت شما است که ملت‌های دیگر را امیدوار نگه داشته است. دشمن می‌خواهد این مقاومت را در هم بشکند. اینکه می‌بینید سردمداران استکبار جهانی، پیوسته شعار میدهند «ما مایلیم با ایران روابط داشته باشیم»، اظهاراتی ریاکارانه و خلاف حقیقت است. معنای

۱. در دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوه‌ی قضائیه ۱۳۸۲/۴/۷

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۸۰/۶/۱۵

واقعی این اظهارات و شعارها، محبت به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست؛ به معنای قبول کردن اشتباهات گذشته‌شان نیست؛ به معنای تعهد نسبت به آینده - که بعد از این به ملت ایران زورگویی نکنند - نیست؛ این یک نوع فریب است. به ظاهر میگویند «ما آماده‌ایم روابط برقرار کنیم» و متعاقب آن عنوان میکنند «مشروط بر اینکه ایران از حرفهای افراطی خود صرف نظر کند». حرفهای افراطی ما چیست؟ یکی از حرفهای افراطی نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران، همین است که میگوییم «نمیخواهیم دولتهای استکباری در کار ما دخالت کنند». این حرف، افراطی است؟! این حرف، به نظر سردمداران استکبار، حرفی نگفتنی است! میگویند چرا عنوان میکنید که «در کار ما دخالت نکنید»؟! در همین منطقه‌ی خاورمیانه و منطقه‌ی اسلامی خودمان، دولتهایی را می‌شناسیم که اگر بخواهند با دولتی دیگر رابطه برقرار کنند، از آمریکا اجازه میگیرند! به آمریکا میگویند: شما اجازه میدید ما با فلان دولت، رابطه داشته باشیم؟ این را خودشان میگویند. حیا نمیکند و خجالت هم نمیکشند!^۱

دشمنان ملت ایران برای ضربه زدن به این ملت، یکی از راه‌هایی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف میان آحاد ملت مسلمان است؛ کمااینکه در دنیای اسلام و در امت اسلامی هم همین سیاست را دنبال کرده‌اند. از اول پیروزی انقلاب سعی کردند کشورهای مسلمان همسایه‌ی ما را - از جمله کشورهای همسایه‌ی در خلیج فارس را - از جمهوری اسلامی و از انقلاب اسلامی بترسانند؛ متأسفانه در مواردی هم موفق شدند؛ در حالی که جمهوری اسلامی، دست برادری به سوی همه‌ی ملت‌های مسلمان و همه‌ی دولتهای مسلمان دراز کرده بوده است و دراز میکند. جمهوری اسلامی از بن دندان معتقد به اتحاد اسلامی است؛ اتحاد اسلامی به

۱. در دیدار زائران رضوی (ع)، ۱۳۷۳/۱/۱

معنای همدلی ملت‌ها و همکاری دولتها است. ملت‌ها بحمدالله با هم همدلند؛ اختلافات طائفی و فرقه‌ای و مذهبی نمیتواند میان ملت‌ها شکاف ایجاد کند، مگر به وسوسه‌ی دشمن. اما دولتها را متأسفانه دست سیاست میتواند به این طرف و آن طرف بکشانند. ما امروز هم اعلام میکنیم: کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آنها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می‌آید، اما ما اختلاف را بر خلاف مصلحت دنیای اسلام میدانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه‌ی کشورها دراز کرده‌ایم.^۱

• فراموشی یاد شهیدان

ما آن احساس افتخاری را که نام شهید و یاد شهید به ما میدهد، حفظ کنیم. همچنانی که به دلآوری مردان بزرگ صدر اسلام افتخار میکنیم، به دلآوری این مردان بزرگ دوران خودمان افتخار کنیم. دشمن این را نمیخواهد. دشمن میخواهد یاد شهیدان فراموش شود. دشمن میخواهد خاطره‌ی این مجاهدتها و بزرگ‌مردی‌ها در حافظه‌ی این ملت نماند. درست نقطه‌ی مقابل این، همه باید حرکت کنند. یاد شهیدان را برجسته کنید، زنده کنید، خاطره‌ی آنها را حفظ کنید.^۲

• شیوه‌ها، ابزارها و برنامه‌های دشمن



• تضعیف و تخفیف دین و دین‌داری

مسلمانان در همه جای جهان باید نسبت به اقدامات توطئه‌آمیز

۱. در دیدار عمومی با مردم لار ۱۳۸۷/۲/۱۹

۲. در دیدار خانواده‌های شهدا و ایثارگران کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۲

دشمنان برای تضعیف و توهین [به] اسلام کاملاً حسّاس و هوشیار باشند؛ مخصوصاً نسبت به توطئه‌های فرهنگی؛ از قبیل نوشتن کتابها و ساختن فیلمها و نمایشنامه‌های ضدّ اسلامی. در این صحنه، سنگرداران اصلی، نویسندگان و هنرمندانی هستند که دلشان برای اسلام میتپد و از حقد و کینه‌ی دستگاه‌های استکباری با اسلام و مسلمین باخبرند. تهیه‌ی مقالات و کتب و آثار هنری در تبیین اسلام و افشای توطئه‌های دشمن و دفاع از حقوق مسلمانان جهان، وظیفه‌ی عمومی و بزرگ آنها است.^۱

دشمن، همیشه در صدد است تا نیروی دفاع‌کننده‌ی طرف مقابل را نابود کند و از بین ببرد. چون نیروی پیش‌برنده و دفاع‌کننده‌ی این انقلاب، عنصر دین و رهبری دینی بوده است، لذا دشمن سعی میکند این را از بین ببرد. شما ببینید بعد از پیروزی انقلاب، چقدر علیه حضور رهبری دینی در انقلاب حرف زدند! این حرفها مخصوص بعد از زمان امام هم نیست. کسی خیال نکند کسانی که با رهبری دینی مخالفت میکنند، بعد از زمان رحلت امام (رضوان‌الله‌علیه) پیدا شده‌اند. ابداً! از اول پیروزی انقلاب، همه‌ی کسانی که از دست این انقلاب داغدار بودند، با رهبری و هدایت دینی این انقلاب مخالفت کردند. چرا؟ برای اینکه انقلاب را از پا درآورند. این، آن هدفی است که دشمن نشانه‌گیری کرده است و باز هم میکند.^۲

دشمنان این انقلاب وقتی خواسته‌اند در طول این مدّت به این انقلاب و این نظام صدمه‌ای وارد کنند، آماج حملات آنها چه بوده است؟ آماج حملات دشمنان، دو نقطه‌ی اساسی است: یکی دین، یکی مردم و وفاداری آنها. میدانند که اگر این انقلاب، یک انقلاب دینی نبود،

۱. پیام به حجّاج بیت‌الله الحرام ۱۳۶۸/۴/۱۴

۲. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

قدرت مقاومت نداشت؛ چون دین است که پیروان خود را از تسلیم شدن در مقابل ظلم منع میکند، به مقابله‌ی با ظالم تشویق میکند؛ عدالت و آزادی و معنویت و پیشرفت را به زندگی انسانها پیشنهاد میکند. این، خصوصیت دین است. پس آن نظامی که بر مبنای دین باشد، معنی ندارد که تسلیم فشار و زور دشمنان و زورگویان و زیاده‌طلبان بشود. اگر عنصر دین در این انقلاب نبود، ممکن بود مسئولین انقلاب و سرکردگان انقلاب با گرفتن یک امتیازی در مقابل دشمن کوتاه بیایند و راه را برای سلطه‌ی دوباره‌ی دشمن باز کنند؛ اما چون دین ستون فقرات این انقلاب است، چنین چیزی تاکنون پیش نیامده است و بعد از این هم پیش نخواهد آمد.^۱

تکلیف ما این نیست که بگوییم: «ما گفتیم؛ هر کس میخواهد، عمل بکند.» این مربوط به این دوره نیست که حکومت به دست مسلمین است؛ دوره‌ای که بار اداری جامعه بر دوش ما است؛ بخصوص دوره‌ای که دشمن این همه تلاش میکند، تا مفاهیم اسلامی را از ذهنها بزدايد... ما بایستی حرف خود را به دلها برسانیم؛ «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ»^۲. اینکه چیزی را در هوا پرتاب کنیم، کسی گرفت، گرفت؛ نگرفت، نگرفت؛ به جایی رسید، رسید؛ نرسید، نرسید؛ این قبول نیست. من این را به عنوان یک مشکل مشاهده میکنم.^۳

• وارونه‌سازی باورها و ترویج اباحیگری

شما امروز می‌بینید که ایادی دشمن در تبلیغاتشان – چه در رادیوهای بیگانه، چه در ادامه‌ی آن رادیوها در داخل و در بعضی از رسانه‌های

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۲. سوره‌ی نور، بخشی از آیه‌ی ۵۴؛ «بر پیامبر [خدا، وظیفه‌ای جز ابلاغ [رسالت] نیست.»

۳. در هفتمین گردهمایی ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور ۱۳۷۰/۶/۲۵

داخلی۔ مرتّب حرفه‌ای می‌زنند و کارهایی میکنند که این‌طور احساس شود که تشنّج عظیم سیاسی‌ای وجود دارد؛ در حالی که واقعیت این نیست. شما به بعضی از این رسانه‌های داخلی نگاه کنید! البته همه‌ی اینها بیگانه نیستند؛ اما بعضی چرا؛ بعضی مال آن دشمنانند! البته اینها را هم می‌شناسید؛ همه‌اش هم فریاد می‌زنند که اختناق هست. حالا نمی‌فهمند همین فریادی که می‌زنند اختناق هست، این آنها را بیشتر رسوا میکند؛ به خاطر اینکه هر روز حرفهای دروغ و خلاف و تشنّج‌آفرین‌شان منتشر میشود؛ دستگاه‌ها هم می‌بینند. مادامی که یک جرم مشخصی را مرتکب نشده باشند، کسی به آنها کاری ندارد؛ حرفهایشان را می‌زنند و در واقع خودشان را تخطئه و تکذیب میکنند؛ اما هستند و سعی میکنند فضا را آشفته، مغشوش، متشنّج و ناآرام جلوه دهند. در حالی که چنین چیزی نیست. دانشجوی در محیط دانشگاه خود نگاه میکند، می‌بیند کلاسهای درس دایر است، آزمایشگاه مشغول است، امتحانات بر سر جای خود هست. کاسب در محیط کسب خودش نگاه میکند، کارگر در کارخانه‌ی خودش نگاه میکند، روحانی در حوزه‌ی خودش نگاه میکند و می‌بیند که همه چیز سر جای خودش هست؛ وقتی که به تیتراژ فلان روزنامه نگاه میکنند، گویی که الان اینجا تشنّجی هست! آن کارشناسان خارجی هم بیچاره‌ها به همین تیتراژها نگاه میکنند و به طمع می‌افتند و باور میکنند^۱.

یکی از مسائلی که دشمن به طور جدّی در کشور تبلیغ میکند، مسئله‌ی اباحیگری است. اباحیگری اعتقادی و عملی، یعنی پایبندی‌ها و تقیّدات و تکیه‌گاه‌هایی که یک انسان را در حرکت خود به سمت هدف مشخصی عازم و مصمّم میکند، از او گرفتن و او را سرگردان و لنگ کردن. این را باید جدّی بگیرید. یکی از سیاستهای

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۸/۹/۲۶

دشمنان اسلام این است که ایمان مردم را بگیرند و اعتقاد آنها به انقلاب را سلب کنند.^۱

• منحرف کردن حکومت از محور دین

در صدر اسلام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکومت علی بن ابی طالب (علیهما السلام) به سلطنت شام تبدیل شد! البته امام حسن مجتبی (علیه آلاف التحية والثناء) آن روز به خاطر یک مصلحت بزرگ‌تر - که حفظ اصل اسلام بود - مجبور شد این تحمیل را به جان بپذیرد. حکومت را از امام حسن گرفتند. وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی است که بعد هم حادثه‌ی کربلا پیش می‌آید. آن وقت حادثه‌ی کربلا حادثه‌ای نیست که بشود جلویش را گرفت؛ اجتناب‌ناپذیر میشود... اساس حمله و نقشه‌ی دشمن این است که حکومت را از محور اصلی - محور امامت، محور دین - خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد!^۲

• مخدوش کردن شخصیت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)

بعد از دوران قرون وسطی که نسبت به شخصیت رسول اکرم در دنیای مغرب‌زمین و دنیای مسیحیت، یک تهاجم تبلیغاتی وسیعی انجام گرفت و دشمنان سوگند خورده‌ی اسلام فهمیدند که یکی از راه‌های مبارزه‌ی با اسلام این است که چهره‌ی نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) را مخدوش بکنند و کارهای زیادی در این زمینه انجام گرفت، و تا

۱. در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی ۱۳۸۰/۵/۱۱

۲. در دیدار با جوانان در مصلای بزرگ تهران ۱۳۷۹/۲/۱

امروز، دشمن به نحو مستمری - اگرچه با شیوه‌های مختلفی - روی امحاء شخصیت پیغمبر از ذهنهای آزادگان عالم کار کرده. بسیاری در دنیا مردمی که اگر پیغمبر اسلام را به همان اندازه‌ای که مسلمانها می‌شناسند یا حتی کمتر از آن بشناسند، یعنی حقیقتاً فقط یک شبیحی از آن چهره‌ی منور برای دل‌های آنان آشکار بشود، عقیده‌ی آنها و گرایش آنها نسبت به اسلام و معنویت اسلامی تضمین خواهد شد. ما باید روی این مسئله کار کنیم.^۱

• الفای بحران مشروعیت

یکی از مسائلی که اینها بشدت دنبال آن هستند، سلب اعتماد مردم از کارایی نظام است. بعضی از حرفهایی که می‌شنوید، اتفاقی نیست. تصادفی نیست که بعضی کسان بیایند درباره‌ی نظام اسلامی بحث کنند و بحران مشروعیت نظام را مطرح سازند. نظامی را که با رأی و خواست و مجاهدت مردم و با این همه احساسات و عواطف سرکار آمده، با این همه مشکلات دست و پنجه نرم کرده و از این همه دشمنی‌ها و مقابله‌ها سرافراز بیرون آمده - و همه هم به کمک مردم بوده است - زیر علامت سؤال بگذارند و بگویند بحران مشروعیت! اینها تصادفی نیست. بعضی از حرفهایی که می‌بینید در بعضی از تریبون‌ها پخش میشود، همه در جهت همین تصویرسازی منفی از نظام اسلامی در ذهن مردم و برای سلب اعتماد آنها است تا آن مقصود حاصل شود؛ یعنی گسستگی پیوند میان مردم و نظام.^۲

مرتب توی دهنها می‌اندازند و می‌گویند «بحران مشروعیت». نظام

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، روحانیون و مسئولان و ائمه‌ی جمعه و برادران اهل تسنن و تشیع استانهای کردستان و کرمانشاه و جمعی از اقشار مختلف

مردم ۱۳۶۸/۷/۲۴

۲. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

اسلامی که متکی به آراء مردم است و نماینده‌ی مجلس و نماینده‌ی شورا و رئیس‌جمهور و رهبر و خبرگانش با رأی مردم انتخاب میشوند، اگر مشروعیت نداشته باشد، پس کدام یک از نظام‌هایی که در منطقه و در دنیا هستند، مشروعیت دارند؟... من به آقای خاتمی گفتم شما به هر کشوری از کشورهای اسلامی بروید، اگر دولتها مانع نشوند، همین صحنه‌ای که در لبنان دیدید، در همه جا خواهد بود. واقع قضیه هم همین است. در بحرین هم اگر می‌گذاشتند، از این شلوغ‌تر میشد. ایشان امروز اگر مصر هم برود و دولت این کشور بگذارد، ده برابر جمعیتی که در لبنان جمع شدند و سخنرانی رئیس‌جمهور ما را گوش کردند، جمع میشوند و سخنرانی‌اش را گوش میکنند؛ آن هم با ارادت و اخلاص. اینها کار انقلاب است. عده‌ای بر اثر حقارت خودشان حاضر نیستند این چیزهای عظیم را ببینند. چشمهای کوچک نمیتواند این عظمتها را ببیند. گفت: «تو بزرگی و در آینه‌ی کوچک نمایی». بعضی‌ها نمیتوانند عظمت انقلاب را ببینند. خودشان کوچکند، خیال میکنند انقلاب هم کوچک است! میخواهند انقلاب را دنبال خودشان درون پیچ‌وخم‌های دالان وابستگی و تسلیم و ضعف در مقابل آمریکا ببرند. مگر میشود چنین چیزی؟^۱

• ایران‌هراسی

امروز سیاستهای آمریکا، برای اینکه مشکل خود را با کشورهای عربی و مسئله‌ی فلسطین حل کند، بر این است که به دولتهای عرب منطقه این‌طور حالی کند که «اگر میخواهید با کسی یا جایی دشمنی کنید، آن، اسرائیل نباید باشد. بروید سراغ ایران!» بر این است که به آنها حالی

۱. در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت چهاردهمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)

کند «ما که آمریکا باشیم۔ از شما کشورهای منطقه حمایت میکنیم؛ مشروط بر اینکه جبهه‌ی خود را به طرف ایران بگشایید و دیگر با اسرائیل کاری نداشته باشید!» سیاست جدید حکومت آمریکا، حمایت از صهیونیست‌های غاصب است.^۱

از روز اوّل انقلاب، تلاش تبلیغاتچی‌ها و سیاست‌بازهای استکبار، آن بوده است که کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس را از جمهوری اسلامی بترساند؛ برای اینکه بتواند به آنها سلاح بفروشد؛ برای اینکه بتواند در آنجا برای خود، حضور نظامی تأمین کند. من نمیدانم آیا وقت آن نرسیده است که دلها و ذهنهایی در این کشورها به خود آیند و بفهمند که آمریکا خیر آنها را نمیخواهد؛ بفهمند که آمریکا و تبلیغاتچی‌های صهیونیست در همه جای دنیا ـ که طرف خطابشان آنها هستند ـ نیتشان این است که به خلیج فارس بیایند و حضور نظامی پیدا کنند و منافع اقتصادی نامشروع برای خودشان تأمین نمایند و البته اگر بتوانند، فشاری بر جمهوری اسلامی و ملت ایران باشند؟ بارها دولت، ملت، و همه‌ی مسئولان اعلان کرده‌اند که جمهوری اسلامی نسبت به کشورهای همسایه، هیچ گونه نظر تعرض‌آمیزی ندارد. از اوّل انقلاب هم، این ثابت شده است. هجده سال از انقلاب میگذرد، ما تا به حال به چه کسی حمله کرده‌ایم؟ ما کدام تیر را به طرف مرزهای همسایه پرتاب کرده‌ایم؟ به طرف ما تیرها پرتاب شد، اما در این مدت، ما جز دفاع از خودمان، هیچ کاری نکرده‌ایم.^۲

این دنیایی که الان شاید بیش از یک قرن است یا بیشتر که عادت کرده به زورگویی و حرف زدن و تجاوز به ملتها، حالا میبیند که یک ملتی در یک چنین نقطه‌ی حسّاسی از دنیا، در این جغرافیای مهم، سینه سپر کرده و با رفتار خود، با گفتار خود، مسلمانها را تشویق میکند

۱. در دیدار جمعی از فرماندهان بسیج ۱۳۷۱/۸/۲۷

۲. خطبه‌های نماز عید فطر ۱۳۷۵/۱۱/۲۱

به ایستادگی در مقابل او، در مقابل استکبار؛ طبیعتاً این برایشان غیر قابل قبول است، دشمنی میکنند... یک نمونه‌اش داعش است. داعش دست‌ساز آمریکا بود دیگر؛ خودشان اعتراف کردند به این معنا. خب وقتی که جمهوری اسلامی وارد میدان میشود و با همه‌ی وجود در مقابل این توطئه و این نقشه می‌ایستد، برای اینها غیر قابل تحمل است؛ لذا شروع میکنند به عکس‌العمل. منشأ و مبدأ همه‌ی تبلیغات ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی و متهم کردن ایران به دخالت در این کشور و آن کشور، همین عصبانیت و خشم آمریکا از خنثی شدن نقشه‌هایش است؛ لذا شما می‌بینید که هر چه میتوانند، با شیوه‌های مختلف تبلیغاتی سعی میکنند هم در ایران‌هراسی، هم در شیعه‌هراسی، جدا جدا^۱.

• تلاش برای انحراف نظام از اصول و شعارهای اساسی

دشمنان نظام جمهوری اسلامی، وقتی نمیتوانند در میدان مبارزه‌ی رویاروی، کار مؤثری با این نظام انجام دهند؛ یعنی نمیتوانند به آن ضربه‌ی نظامی بزنند؛ نمیتوانند انفجار داخلی درست کنند؛ نمیتوانند ضربه‌های امنیتی بزنند؛ نمیتوانند با محاصره‌ی اقتصادی، آن را به زانو درآورند - وقتی از همه‌ی اینها مأیوس میشوند - یک راه برایشان باقی میماند و آن، این است که نظام اسلامی و انقلابی را به مواضعی بر خلاف اصول خود سوق دهند؛ یا به عبارت ساده‌تر و روشن‌تر، آن را وادار کنند که از گفته‌های خود در زمینه‌ی مسائل انقلاب برگردد؛ حرف و مواضع خود را تخطئه کند و خودش را دچار تناقض نماید! این را از چه راهی انجام میدهند؟ از راه فشارهای تبلیغاتی، فشارهای سیاسی، فشارهای فرهنگی. جو را آن‌چنان از فشار انباشته میکنند که انسانهای ضعیف‌النفس، در مقابل این فشار نمیتوانند مقاومت کنند.^۲

۱. در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل‌بیت (ع) ۱۴۰۱/۶/۱۲

۲. در اجتماع باشکوه زائران مرقد مطهر حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۶/۳/۱۴

امام در وصیت‌نامه‌شان تأکید میکنند که این انقلاب یک انقلاب الهی است و پایه‌ی اصلی آن مردمند؛ یعنی این انقلاب متعلق به مردم است. معنای این حرف این است که هیچ کس -هیچ قشری، هیچ فردی، هیچ طبقه‌ای- نمیتواند و نباید ادّعی مالکیت این انقلاب را بکند؛ خود را مالک بداند، دیگران را مستأجر این انقلاب بداند. اگر قرار بود کسی خود را نسبت به این انقلاب مالک و صاحب بداند، از همه مناسب‌تر و شایسته‌تر، خود امام بود که انقلاب بر محور عزم و اراده و شخصیت او به وجود آمد؛ ولی امام خود را هیچ‌کاره و خدا را همه‌کاره میدانند... مردم باید خودشان را حافظ این انقلاب بدانند. انقلاب هویتش، معنایش به شعارهای انقلاب است؛ به جهت‌گیری‌های انقلاب است؛ به ارزشها و مبانی انقلاب است. همیشه بوده‌اند، امروز هم هستند، در آینده هم خواهند بود کسانی که بخواهند به بهانه‌ی اینکه اوضاع جهان عوض شده است، شعارهای انقلاب را تغییر بدهند یا شعار دینی -بعد دینی- را از انقلاب جدا کنند یا بعد عدالت اجتماعی را از انقلاب جدا کنند یا بعد سلطه‌ستیزی و بیگانه‌ستیزی را از انقلاب جدا کنند یا بعد ضدّ استبداد بودن را از انقلاب جدا کنند... از جمله‌ی برترین شعارهای این انقلاب، تعلق این انقلاب به عموم مردم است؛ هیچ قشری، هیچ طبقه‌ای، در نسبت به انقلاب بر دیگران ترجیحی ندارد. جوانهای امروز هم مثل جوانهای دوران دفاع مقدّس صاحبان انقلابند.^۱

• تخطئه‌ی شعار ظلم‌ستیزی انقلاب

خیلی‌ها بودند از همان اوایل انقلاب، میگفتند آقا حالا که انقلاب پیروز شد، دیگر بس است؛ برویم با آمریکایی‌ها مسائل را تمام کنیم! این معنایش این بود که شعار ظلم‌ستیزی انقلاب تخطئه شود... یعنی برویم

۱. در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۳۸۷/۳/۱۴

با آمریکا همراه شویم؛ آن کسی که دشمن اصلی ما است، برویم زیر بال او؛ به دامن او پناه ببریم. معنای این حرف، فروختن قضیه‌ی فلسطین، اغماض کردن از جنایات آمریکا در عراق و افغانستان، چشم بستن بر روی این همه ظلمی است که آمریکا در جهان بر ملت‌ها دارد انجام میدهد... ایستادگی شما ملت ایران ظرف این ۳۲ سال بر روی شعارهای اصلی انقلاب، این برکت بزرگ را داشته است که امروز دنیای اسلام به چشم عظمت نگاه میکند. وقتی مسئولین کشور شما به کشورهای مختلف سفر میکنند، آن جور استقبالی از آنها میشود. وقتی حساب‌گراها میخواهند محبوبیت شخصیت‌های سیاسی را محاسبه کنند، مسئولین کشور شما در ردیف اول قرار میگیرند. ملت ایران کارش الگو شد؛ امروز دارید نشانه‌های این را مشاهده میکنید. این برکت بزرگ و این خصوصیت از خصوصیات است که جز با گذشت زمان معلوم نمیشد.^۱

• تهاجم فرهنگی و ترویج فساد

غرب میخواهد فرهنگ خود را بر همه جا حاکم کند. فرهنگ غرب، برهنگی است. البته به شما عرض کنم که این برهنگی، این فساد و بی‌بندوباری و این شکل فضاقت‌آمیزی که بعضی از زنان در بسیاری از کشورهای غربی دارند، بحمدالله در خود غرب نیز همه‌گیر نیست. این، کاری است که بر اثر تبلیغات غلط خود آنها، روزه‌روز افزایش پیدا میکند؛ و الا حتی تا چهل پنجاه سال پیش، در خود کشورهای غربی، به این شدت نبود. آنها میخواهند همان فساد و بی‌بندوباری را که خودشان گرفتارش شده‌اند، به کشورهای اسلامی هم صادر کنند؛ ولی ما این را نمیخواهیم. این، برای زندگی اجتماعی مضر است و برای آنها هم مضر است. هر جا باشد، مضر است. روش اسلامی برای ما بهترین

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

است. زنان ما در طول حوادث انقلاب و بعد از انقلاب تا امروز، نشان داده‌اند که در آن چیزهایی که معیار واقعی زندگی و ارزش و برجستگی آنها است، در سطوح عالی قرار دارند. مادری که فرزندان خود را در راه خدا و در راه هدف - هدفی که برای او مقدس است و پیش خدا هم مقدس است - تقدیم میکند و خم به ابرو نمی‌آورد، یک عمل برجسته انجام داده است و این امر کوچکی نیست. این را با هر معیار و میزانی اندازه‌گیری کنید، با عظمت است. زن جوانی که حرمت همسرش و خودش را به مدت ده یازده سال که همسرش در زندانهای دشمن اسیر بوده، با کمال عفت و سربلندی و پاک‌دامنی حفظ کرده است، آیا کارش ارزش نیست؟! اینها ارزشند.^۱

امروز هیچ کس نمیتواند انکار کند که فوری‌ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه‌های فرهنگی در کشور است. آنان در صددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی‌ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه‌ی استکباری است، از ذهنها و دلها بزدايند و باورهای سلطه‌پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه‌ها و دست‌نشانندگان امپراتوری‌های زر و زور، در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی برای تردیدافکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شبیخون فرهنگی را جدی نمی‌گرفتند، امروز آن را به چشم خود می‌بینید. بی‌شک نخستین آماج این شبیخون، جوانانند، بویژه آنان که در جاده‌ی دانش و فرزاندگی قدم بر میدارند و آینده‌ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و هزینه‌ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی بروشنی میدانیم که مهم‌ترین

۱. در دیدار گروهی از خواهران پرستار ۱۳۷۳/۷/۲۰

پاسخ کوبنده‌ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن‌بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است، و اینها همان است که تشکلهای دانشجویی شایسته‌ی همت گماشتن و پرداختن به آن میباشند.^۱

اروپایی‌ها وقتی خواستند اندلس را از مسلمانان پس بگیرند، اقدامی بلندمدت کردند. آن روز صهیونیست‌ها نبودند؛ اما دشمنان اسلام و مراکز سیاسی، علیه اسلام فعال بودند. آنها به فاسد کردن جوانان پرداختند و در این راستا انگیزه‌های مختلف مسیحی، مذهبی یا سیاسی داشتند. یکی از کارها این بود که تاکستانهایی را وقف کردند تا شراب آنها را به طور مجانی در اختیار جوانان قرار دهند! جوانان را به سمت زنان و دختران خود سوق دادند تا آنها را به شهوات آلوده کنند! گذشت زمان راه‌های اصلی برای فاسد یا آباد کردن یک ملت را عوض نمیکند. امروز هم آنها همین کار را میکنند. البته دشمن هدفهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هم دارد.^۲

• تشکیل ناتوی فرهنگی علیه هر صدای معارض

ما در تحولات بنیانی اساسی جامعه، ممکن است گاهی این‌طوری عمل کنیم؛ به جای اینکه بنیانها را حفظ کنیم و بر آنچه که نیاز داریم، پافشاری کنیم و آنچه را که نداریم، برای خودمان فراهم کنیم، هویت مستقل ملی خودمان را فراموش کنیم! که متأسفانه این مسئله در کشور ما و خیلی از کشورهای اسلامی داستان و سرگذشت بسیار غم‌باری دارد... از این خطرناک‌تر، این است که سررشته‌ی همین تحولات منفی در سطح بین‌المللی، در دست کسانی باشد که آنها به وسیله‌ی این تحولات میخواهند اهداف خودشان را - که یا زر است یا زور - تأمین کنند و برای آنها چیزی به نام هویت ملتها اصلاً ارزش ندارد؛ که متأسفانه

۱. پیام به کنگره‌ی جامعه‌ی اسلامی دانشجویان در مشهد ۱۳۸۰/۶/۱۰

۲. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

این در ۱۰۰ سال، ۱۵۰ سال اخیر، در دنیا اتفاق افتاده است؛ یعنی تحولات کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتین در دام طراحی باندهای قدرت بین‌المللی افتاده است و طراح اینها صهیونیست و سرمایه‌داران بین‌المللی بوده‌اند. برای اینها آنچه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولتهای اروپایی و غیره نفوذ کنند و قدرت سیاسی را در دست بگیرند و پول کسب کنند و این کمپانی‌ها، سرمایه‌های عظیم، کارتل‌ها و تراست‌ها را به وجود آورند. هدف این بوده است؛ آن وقت اگر اقتضا میکرده است که اخلاق جنسی ملت‌ها را خراب کنند، راحت می‌کردند؛ مصرف‌گرایی را در بین آنها ترویج کنند، براحتی این کار را انجام میدادند؛ بی‌اعتنائی به هویت‌های ملی و میانی فرهنگی را در آنها ترویج کنند، این کار را می‌کردند. اینها، اهداف کلان آنها بوده است که تصویر می‌کردند. آن وقت همیشه لشکری هم از امکانات فرهنگی و رسانه‌ای و روزنامه‌های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت اینها بوده است، که اینها امروز یواش‌یواش دارد پخش میشود و من پیروز در روزنامه -البته سه چهار ماه قبل از این، من مقاله‌اش را دیده بودم- گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» را خواندم. یعنی در مقابل پیمان ناتو که آمریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله‌ی با شوروی سابق یک مجموعه‌ی مقتدر نظامی به وجود آوردند، اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه‌ی خاورمیانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده‌اند. این، بسیار چیز خطرناکی است. البته حالا هم نیست؛ سالها است که این اتفاق افتاده است. مجموعه‌ی زنجیره‌ی به‌هم‌پیوسته‌ی رسانه‌های گوناگون -که حالا اینترنت هم داخلش شده است و ماهواره‌ها و تلویزیونها و رادیوها- در جهت مشخصی حرکت میکنند تا سرشته‌ی تحولات جوامع را به عهده بگیرند.^۱

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸

• تخریب فرهنگ ایثار و مقاومت

عقبه‌ی ما، در مبارزه‌ی ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت بود از «فرهنگ» ما. منطقه‌ی عقبه‌ی ما عبارت بود از اخلاق اسلامی، توکل به خدا، ایمان و علاقه به اسلام؛ یعنی علاقه‌ی آن مادری که چهار پسرش شهید شده‌اند و می‌گویند من اینها را در راه اسلام دادم، و به این راضی است. بنده خانواده‌هایی را از نزدیک دیده‌ام - یعنی به خانه‌ی آنها رفته‌ام و با پدران و مادران صحبت کرده‌ام؛ روایت نیست؛ خودم از نزدیک دیده‌ام - خانواده‌ای که دو پسر داشتند، هر دو شهید شدند. خانواده‌ای که سه پسر داشتند و هر سه شهید شدند. این مگر شوخی است؟! این مصیبت، مگر قابل تحمل است؟! این پدر و مادر باید از غصه دیوانه شوند. آن وقت، مادر، که عواطف جوشان‌تری هم دارد، با کمال قدرت می‌گوید: «ما اینها را در راه اسلام دادیم، و حرفی نداریم.» عجب!

پس تأثیر اسلام این است! تأثیر ایمان به خدا این است! این را دشمن فهمید. پدر و مادری به جوان خود می‌گویند «تو هنوز شانزده سال است، هفده سال است؛ برو درست را بخوان؛ برو بازیات را بکن؛ لذت را ببر. برادرت رفت و شهید شد.» جوان می‌گوید: «نه! من سهم خودم را باید برای اسلام اداء کنم.» این، عبارتی است که ما در وصیت‌نامه‌های شهدا دیده‌ایم و از پدران و مادران شهدا و خانواده‌ها شنیده‌ایم. اثر اسلام، این است.

یک روز امام فرمود: «امروز اسلام محتاج کمک شما جوانها است.» بعد از ظهرش بنده به خیابانها آمدم و کاری داشتم. دیدم مثل روزهای اوّل انقلاب شده و مردم به طرف پاوه در حرکتند. این ماجرا و این صحنه، بارها تا آخر جنگ تکرار شد. هر وقت که اسم اسلام و فرمان امام به گوش مردم میرسید - فرمان امام، فرمان اسلام بود و مردم برای امام به خاطر اسلام اهمّیت قائل بودند - ناگهان میدیدید این ملت،

به جوش و خروش درمی‌آید. جوانان شهر را، ده را، دانشگاه را، بازار را، کار و کسب را، میدان فوتبال را، همه را رها میکنند و می‌روند. برای چه؟ برای اینکه جانشان را در معرض خطر مرگ بگذارند! این شوخی نیست! دشمن که کور نبود. دشمن اینها را دید، دشمن اینها را تحلیل کرد و فهمید این ملت عقبه‌ای دارد. فهمید تا آن عقبه هست، این ملت را با محاصره‌ی اقتصادی و با محاصره‌ی نظامی و یا چه و چه، نمیشود به زانو درآورد. پس، آن عقبه را باید بمباران کرد؛ فرهنگ او را، اخلاق او را، ایمان او را، ایثار او را، اعتقاد به دین او را، اعتقاد به رهبری او را، اعتقاد به قرآن و جهاد و شهادت او را؛ اینها را باید از بین برد؛ و شروع کرد.^۱

• تفکیک اسلام معنوی از اسلام سیاسی

امام عملاً نشان داد که اسلام سیاسی، همان اسلام معنوی است. در طول دوران استعمار، دشمنان اسلام و دشمنان بیداری ملتهای اسلامی، تبلیغ میکردند که اسلام معنوی و اسلام اخلاقی از اسلام سیاسی جدا است. امروز هم همین را تبلیغ میکنند... اسلام نابی که امام مطرح کرد، یعنی ضدّ اسلام متحجّر و خرافی و همچنین ضدّ اسلام رنگ‌باخته در مقابل مکاتب بیگانه و التقاطی. هم آن روز، هم در طول سالهای مبارزه برای تشکیل نظام اسلامی، و هم تا امروز، این یکی از نقاطی است که جبهه‌ی دشمن اسلام روی آن تأکید میکند: سیاست را از معنویت جدا کردن؛ یعنی اگر کسی میخواهد مسلمان باشد، باید سر خود بگیرد و گوشه‌ای بنشیند و به اینکه دشمن چه میکند، متجاوز چه میکند، اشغالگر چه میکند، کاری نداشته باشد. امروز هم این را تبلیغ میکنند.^۲

۱. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

۲. در چهاردهمین سالگرد رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام

خمینی (ع) ۱۳۸۲/۳/۱۴

• تخریب و تضعیف ولایت فقیه

در داخل ایران اسلامی که مرکز توجه خصمانه‌ی دشمن است، دشمن از تجربه‌های خود حداکثر استفاده را میکند. لذا ما ملت ایران باید هشیار باشیم. دشمن چند نکته را برحسب تجربه فهمید و دانست که اینها نقاط اصلی پیشرفت انقلاب اسلامی است و باید با اینها مقابله کند. یک نکته، امام، آن رهبر عجیب، استثنائی و عظیم‌القدر بود... دشمن دید که نفوذ امام (رضوان‌الله‌تعالی‌علیه)، چگونه مردم را در همه‌ی میدانها، مقابل دشمن بسیج میکند. این، نکته‌ای بود که دشمن روی آن تکیه کرد. تجربه‌ای که دشمن پیدا کرد این بود که باید شخص امام امت و مطلق رهبری اسلامی - یعنی همان چیزی که در معارف انقلاب و معارف اسلامی با عنوان «ولایت فقیه» شناخته شده است - را زیر سؤال ببرد... این قلمهای مأجور و مزدور و یا غافل - از این دو خارج نیست - که در یک مقاله، سالهای اول انقلاب را بکلی زیر سؤال می‌برند، مقصودشان چیست؟! اینها با چه کسی طرفند؟! با امام؟! مگر رهبری امام نبود که ده سال به این ملت کمک کرد تا بتواند دشوارترین راه‌ها را بپیماید؟ چه کسی میتواند کشور ویران‌شده‌ای را که ایادی دشمن و رژیم فاسد پهلوی آن را به خاک سیاه نشانده بودند و در دل آن، جنگ خانمان‌برانداز و ویرانگری پیش آمده بود، حفظ کند و به پیش ببرد؟^۱

پول خرج میکنند برای اینکه بتوانند ذهن جوانِ مسلمانِ مؤمنِ ایرانی را منصرف کنند، منحرف کنند؛ از چه؟ از اصل دین؛ نه فقط از نظام جمهوری اسلامی، یا از ولایت فقیه یا امثال اینها؛ [بلکه] از اصل دین، از تعبد به دین، از مسئله‌ی تشیع تا برسد به نظام جمهوری اسلامی و برسد به بقیه‌ی چیزهایی که وجود دارد؛ دائم دارند شبهه خلق

۱. در دیدار مهمانان خارجی دهه‌ی فجر و قشرهای مختلف مردم در روز نیمه‌ی شعبان

میکنند. کسانی هستند در داخل که ابزار آنها میشوند اما خیلی از آنها خودشان هم در داخل کشور نیستند؛ در بیرونند، خط میدهند، عنوان و سوژه معین میکنند و پخش میکنند و میگویند اینها را بگویید، اینها را ترویج کنید. امروز هم فضای مجازی یک صحرای بی‌پایانی است که از همه طرفش میشود حرکت کرد... هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش میکنند شبها را، حرفها را، جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه میکنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟... جامعه‌ی علمی و مذهبی، یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش این است؛ مهم‌ترین وظیفه‌اش این است.^۱

دشمنان، «ولایت مطلقه» را به معنای «استبداد» گرفته‌اند؛ یعنی میل فقیه عادل به صورت دلبخواه. این معنا در دل خودش یک تناقض دارد: اگر عادل است، نمیتواند مستبد باشد؛ اگر مستبد است و بر اساس دلخواه عمل میکند، پس عادل نیست. دشمنان، این را ملتفت نمیشوند و این معنا را نمیفهمند. این نیست مسئله‌ی «ولایت مطلقه» که فقیه هر کار دلش خواست، بکند؛ یک وقت یک چیزی به نظرش رسید که باید این کار انجام بگیرد، فوراً انجام دهد؛ قضیه این نیست. قضیه این است که یک حالت انعطافی در دست کلیددار اصلی نظام وجود دارد که میتواند در آنجایی که لازم است، مسیر را تصحیح و اصلاح کند، بنا را ترمیم کند. البته در اینجا هم خطری که وجود دارد _که باید از این خطر برحذر بود_ این است که ما تصور کنیم این انعطاف بایستی تحت تأثیر فشارهای بیرونی و تغییر در جهت انعطاف به قالبهای غربی باشد. سر قضیه‌ی قصاص به ما اعتراض میکنند و فشار می‌آورند، سر قضیه‌ی دیه به ما فشار می‌آورند، سر قضایای گوناگون در مسائل مختلف به

۱. در درس خارج فقه ۱۳۹۵/۶/۱۶

ما فشار می‌آورند؛ لذا ما تسلیم شویم؛ انعطاف به این معنا باشد. نه، این انحراف است؛ این انعطاف نیست. باید توجه کنیم، همان آیه‌ی شریفه‌ی «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ^۱» اینجا هم جاری است. نباید به خاطر اینکه رادیوهای بیگانه و تبلیغات خصمانه و اتاقلهای فکر دشمن و کمر بسته‌ی علیه نظام اسلامی، راجع به فلان حکم، راجع به فلان مبنا اعتراض میکنند، فریاد میکشند، ما بیاییم بگوییم حالا تجدید نظر کنیم برای اینکه با دنیا هماهنگ شویم؛ نه، این خطا است، این انحراف است؛ به این انحراف نباید دچار شد.^۲

• مقابله با شخصیت امام و نفوذ رهبری دینی

در کشور خود ما، انقلاب مشروطیت بود. اما بعد از پیروزی، هنگامی که علما را کنار زدند، از مسیر منحرف شد و مشروطیت به جایی رسید که رضاخان قلدر، فردی که ضدّ همه‌ی آرمانهای مشروطه‌خواهی بود، به حکومت رسید. اگر انقلاب اسلامی ما هم تحت رهبری دینی نبود، سرنوشتی چون انقلاب مشروطیت پیدا میکرد. هر انسان هوشمندی، وقتی توجه میکند که اولاً شروع این نهضت و پیروزی آن، ثانیاً بقای جمهوری اسلامی و مضمحل نشدن آن و ثالثاً مستقیم حرکت کردن جمهوری اسلامی و [دچار] انحراف نشدن آن، به برکت دین و رهبری دینی است، پشت سر آن، یک نکته‌ی دیگر را هم میفهمد و آن نکته این است که دشمنان انقلاب اسلامی، چه در خارج و چه در داخل، سعی میکنند دین و رهبری دینی را از این انقلاب بگیرند. این، یک امر قهری است. اگر از یک قلعه یا حصار، جوانی کارآمد، جانانه دفاع کند،

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۶؛ «و اگر از بیشتر کسانی که در [این] سرزمین میباشند پیروی کنی.»

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۰/۶/۱۷

دشمن آن قلعه و آن حصار، راه را در این میبیند که زیر پای آن جوان،
حفره و گودالی بکند و او را از بین ببرد.^۱

من در دنیا هیچ کشوری را سراغ ندارم که در آن علقه‌ی عاطفی و
رابطه‌ی قلبی میان ملت و مسئولین، مانند ایران باشد. ملت، مسئولین
را دوست میدارد؛ مسئولین هم ملت را با همه‌ی وجود دوست میدارند
و خود را خدمتگزار او میدانند. این ملت است و این احساساتش؛
تبلیغات دشمن، هر چه میخواهد بگوید. در سالهای آخر زندگی بابرکت
امام، دشمن تبلیغ میکرد که گویا راه امام، از نظر مردم راه متروکی است!
اما بدرقه‌ای که مردم از جسد این بزرگ‌مرد کردند، باشکوه‌تر از استقبالی
بود که از خود ایشان در هنگام ورود فاتحانه به تهران کردند. این است
علقه و ارتباط میان ملت و دولت. این امام، این نظام، این دستگاه
سیاسی، این برنامه و این هم ملت؛ همه استثنائی و همه از جهات
مختلف، در دنیا منحصر به فرد.^۲

ما صریحاً به همه‌ی ملتهای جهان اعلام میکنیم که تفکر «خاتمه
یافتن دوران امام خمینی» که دشمن با صد زبان سعی در القای آن دارد،
خدعه و نیزنگی استکباری بیش نیست و علی‌رغم آمریکا و همکارانش،
امام خمینی در میان ملت خود و جامعه‌ی خود حاضر است و دوران
امام خمینی ادامه دارد و خواهد داشت. راه او راه ما، هدف او هدف ما،
و رهنمود او مشعل فروزنده‌ی ما است.^۳

• ترویج اسلام منهای سیاست و منهای روحانیت

دشمنان دو نکته‌ی اساسی را در باب دین دارند دنبال میکنند؛ چون

۱. در دیدار قشرهای مختلف مردم قم ۱۳۷۱/۱۰/۱۹

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام (ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

دیده‌اند که این دو نقطه در زندگی مردم چقدر تأثیرگذار است: یکی مسئله‌ی اسلام منهای روحانیت است؛ چون دیده‌اند که روحانیت در جامعه‌ی ایرانی چه تأثیر شگرفی را به وجود آورد و بر حرکت مردم گذاشت. البته از قبل از انقلاب هم این زمره‌ها را میکردند. حضور روحانیون در انقلاب و پیشروی آنها در انقلاب، موقتاً این معنا را از صحنه خارج کرد؛ اما باز شروع کردند. یکی هم اسلام منهای سیاست است، جدایی دین از سیاست است... همان چیزی را که آنها آماج حمله قرار میدهند، ما باید توجه داشته باشیم و بدانیم که آنها را بایستی حفظ کنیم، باید بر روی آنها تکیه کنیم: حضور مردمی و معارف دینی و اسلامی.^۱

انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همان‌طوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بُعد اقتصادی، بُعد سیاسی، بُعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.^۲

یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی‌ها مسجد را -بر خلاف آنچه ما حالا عرض کردیم- از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلی برکنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛

۱. در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۸۹/۷/۲۷

۲. در مراسم نوزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (س) ۱۳۸۷/۳/۱۴

فقط پیش‌نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بُروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند... آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی [است]. از این جور اسلامی می‌ترسند... آن وقت ما بیایم اسلام را در کانونهای اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر^۱ جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد^۲.

• خرافی نشان دادن آئینهای شیعی

اینجانب میبینم که چگونه اخلاص و محبت مردم به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) مورد جفا در قضاوتهای جهانی واقع میشود؛ چگونه درک روشن‌بینانه‌ی آنان در اعتقاد به مقام والای اهل بیت (علیهم‌السلام)، به خاطر بعضی اعمال جاهلانه، حمل بر اموری میشود که از ساحت شیعه و ائمه‌ی بزرگوارشان بسی دور است. میبینم

۱. جایی که کار بدان جا ختم میشود.

۲. در دیدار ائمه‌ی جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱

که چگونه عزاداری بر جگرگوشگان زهرای اطهر (سلام الله علیها) مورد تبلیغ سوء دشمنان متعصب و تبلیغاتچی های شیطان استعمار قرار میگیرد؛ میبینم که بعض اعمالی که هیچ ریشه ی دینی هم ندارد بهانه به دست دشمن مغرض میدهد که بدان وسیله هم اسلام و تشیع را العیاذ بالله به عنوان آئین خرافه معرفی کنند و هم بغض و عداوت خود را نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی در تبلیغات خود آشکار سازند.^۱

• ترویج تفرقه ی قومی، مذهبی و منطقه ای

ما اطلاع داریم - اینها تحلیل نیست، اطلاع است - آمریکایی ها طرحهای خطرناکی برای کردستان دارند؛ هدفشان دفاع از قوم کُرد نیست؛ هدف پنجه انداختن و سلطه یافتن بر قوم کرد است... دوستان کُرد ما در آن سوی مرزهای غربی به ما اطلاع دادند و اطلاع میدهند افسران آمریکایی پول میبرند بالای بلندی های «قندیل»، به قیمت خون جوانان کُرد از آنها اطلاعات میگیرند؛ پول میدهند برای مزدورسازی. این شأن جوان کُرد نیست... جماعت کُرد و قوم کُرد حتی در غیر ایران هم غالباً خودشان را ایرانی میدانند؛ به ایرانی بودن خودشان افتخار میکنند. اگر کسانی از کُردهای بیرون ایران در خدمت هدفهای آمریکا قرار میگیرند، بدانند که ممکن است در کوتاه مدّت چیزی گیرشان بیاید، اما در بلندمدّت نفرین و لعنت قوم کُرد آنها را تعقیب خواهد کرد و رهایشان نخواهد کرد... آنها میخواهند شیعه در مقابل سنی، سنی در مقابل شیعه، دلها از هم چرکین، نسبت به هم بدبین؛ آنها این را میخواهند. برای همین است که من اعلام کردم، باز هم تأکید میکنم: خطّ قرمز از نظر نظام اسلامی و از نظر ما، عبارت است از اهانت به مقدّسات یکدیگر. آن کسانی که نادانسته، از روی غفلت، گاهی از روی تعصّبهای کور و بیجا،

۱. پاسخ به نامه ی امام جمعه ی اردبیل حجت الاسلام والمسلمین آقای مروج ۱۳۷۳/۳/۲۷

چه سنی و چه شیعه، به مقدّسات یکدیگر توهین میکنند، نمی‌فهمند چه میکنند. بهترین وسیله برای دشمن همینها هستند؛ بهترین ابزار در دست دشمن همینها هستند؛ این خطّ قرمز است.^۱

آنچه که ما امروز باید به آن توجّه کنیم، این است که شیعه این عقیده را [مسئله‌ی غدیر] برای خود مثل جان عزیزی در طول قرنهای متمادی حفظ کرده است؛ با وجود دشمنی‌هایی که شده است - که این دشمنی‌ها را کم و بیش همه میدانند؛ چقدر ظلم کردند، چقدر فشار آوردند، چقدر اختناق ایجاد کردند - شیعه این عقیده را حفظ کرد؛ معارف تشیع را گسترش داد؛ فقه شیعه، کلام شیعه، فلسفه‌ی شیعه، علوم گوناگون شیعه، تمدّن شیعی، فکر رافی شیعیان، بزرگان شیعه و برجستگان شیعه در تاریخ اسلام درخشان است. بنابراین، این عقیده‌ای است که شیعه آن را حفظ کرده است و حفظ خواهد کرد؛ اما توجّه بکنید که این اعتقاد مایه‌ی دعوا و نزاع نباید بشود. این، آن حرفی است که ما سالها است این را گفتیم و تکرار کردیم، باز هم تکرار میکنیم. و می‌بینیم که دشمن چه نیّتی دارد، چه قصد خبیثی دارد از ایجاد اختلاف بین آحاد امت اسلامی به عناوین مختلف، از جمله با عنوان شیعه و سنی. دشمن - یعنی دشمن اسلام، دشمن قرآن، دشمن مشترکات، دشمن توحید؛ نه دشمن یک بخشی از اسلام. دشمن - سعی‌اش این است که بین امت اسلامی، دشمنی برقرار کند؛ می‌فهمد که اتحاد دنیای اسلام چقدر برای او مضر است. دشمن دید که وقتی انقلاب اسلامی در ایران پیروز شد، عظمت این انقلاب و تشعّش این انقلاب، چطور در دنیای اسلام و در کشورهای اسلامی توانست دلها را به خود جذب کند؛ دل‌هایی که شیعه نبودند. میلیون‌ها نفر از برادران اهل سنت در کشورهای عربی، در کشورهای آفریقایی، در کشورهای

۱. در دیدار مردم سقز ۱۳۸۸/۲/۲۹

آسیایی مجذوب انقلاب شدند و از این ناحیه، دشمن ضربه خورد؛ از اتحاد دلها، از توجّه دلها به جمهوری اسلامی - دلهای آحاد مسلمانها - دشمن ضربه خورد. میخواید این توجّه را از بین ببرد؛ چه جور؟ با ایجاد دشمنی بین شیعه و سنی.^۱

ما که مسلمان هستیم باید حواسمان جمع باشد. ما باید بفهمیم پول نفتِ فلان کشوری که به نوکری آمریکا و غرب شناخته شده و در میان ملت‌های مسلمان به خاطر وابستگی به استکبار روسیاه است، اگر برای کتابی در ردّ تشیع صرف شد، این محض رضای خدا نیست، محض علاقه‌ی به تستن نیست؛ این یک غرض خبیث را دنبال میکند. عکس قضیه هم صادق است؛ [یعنی] اگر دیدیم در داخل جوامع شیعی عواملی دارند برای ایجاد حسّاسیت نسبت به برادران اهل تستن یا مقدّسات آنها تحریک میکنند، باید بدانیم که اگر ناشی از کج سلیقگی و بدفهمی نباشد - که دشمن از این کج سلیقگی هم حداکثر استفاده را میکند - قطعاً دست دشمن [در کار] است. لذا امروز اتحاد مسلمین، صاف بودن دل برادران مسلمان با یکدیگر، شرط اصلی برای اِلاء کلمه‌ی اسلام است.^۲

ما بایستی نگذاریم دشمن به این هدف برسد؛ هم ما موظّفیم، هم غیر شیعه؛ آن کسانی که شیعه نیستند؛ جمعیّت‌ها و مذاهب غیر شیعه در اسلام. همه این را بدانند: امروز شیعه است که در ایران اسلامی، این پرچم اقتدار اسلامی و عزّت اسلامی را بلند کرده است و بر روی دست گرفته و استکبار احساس عجز میکند؛ این یک واقعیت است؛ این یک واقعیت است. این توطئه‌هایی که در این سی سال علیه نظام

۱. در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیرخیم
۱۳۸۷/۹/۲۷

۲. در دیدار با جمعی از بسیجیان و روحانیون تهران، مدرّسان و طلاب اهل سنت استان
خراسان و گروهی از اعضای حزب الله لبنان ۱۳۶۸/۷/۵

جمهوری اسلامی از سوی دشمنان گوناگون - البته در رأس آنها آمریکا و خبیث‌ترین آنها انگلیس - انجام دادند، به خاطر این است که اینها مرعوبند؛ از حرکت اسلامی، از بیداری اسلامی، از به خود آمدن دنیای اسلام می‌ترسند؛ میدانند که اگر دنیای اسلام به خود بیاید، توجه کند، احساس استقلال کند، احساس هویت کند، احساس عزت بکند، این منطقه‌ی حسّاس دنیا که در اختیار مسلمانان است - که حسّاس‌ترین مناطق دنیا، همین منطقه‌ی مسلمان‌نشین است - از تحت سیطره‌ی استکبار بیرون خواهد رفت؛ از این می‌ترسند.^۱

استکبار می‌خواست دولتها را با نظام جمهوری اسلامی دشمن کند. بعضی از دولتها هوشیارانه فهمیدند و نگذاشتند خواست استکبار عمل شود؛ اما بعضی از دولتها، بدون توجه در این دام استکباری غلتیدند. در سطوح ملّتها هم مسئله‌ی اختلافات فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنی و اختلافات عقیدتی را مطرح کردند و افراد زیادی را واداشتند که با گرفتن مزد، علیه جمهوری اسلامی یا علیه تشیع یا علیه برخی از عقاید ملّت مسلمان ایران، کتاب بنویسند و کتابهای زیادی نوشته شد. عده‌ای را هم وادار کردند با زبان خود آنها، که به این کتابها و به این اشکالها و دشنامها پاسخ دهند. متأسفانه هر دو طرف در این دام افتادند.^۲

اینکه در دنیای تشیع علیه برادران اهل سنت، در دنیای تسنّن علیه برادران شیعه کتاب بنویسند، تهمت بزنند، بدگویی کنند، این نه هیچ شیعه‌ای را سنی خواهد کرد، نه هیچ سنی‌ای را شیعه خواهد کرد. آن کسانی که مایلند همه‌ی مردم دنیای اسلام به محبّت اهل بیت

۱. در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر ۱۳۸۸/۹/۱۵

۲. در دیدار رؤسای سه قوه، کارگزاران نظام اسلامی و شخصیت‌های خارجی شرکت‌کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۵/۵/۱۳

و ولایت اهل بیت بگروند، بدانند با دعوا راه انداختن و با اهانت کردن و با دشمنی کردن هیچ کس را نمیتوان شیعه کرد و به ولایت اهل بیت متوجه کرد. دعوا ایجاد کردن جز بغضاء و جدایی و دشمنی هیچ اثر دیگری ندارد و این بغضاء و دشمنی و جدایی همان چیزی است که امروز آمریکا میخواهد، صهیونیست‌ها میخواهند و دارند برای آن تلاش میکنند.^۱

• معرفی انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت شیعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و گسترش فکر آن در سراسر آفاق اسلامی، یکی از ترفندهای استکبار در مقابله با این موج همه‌گیر اسلامی این بوده است که از سویی انقلاب اسلامی ایران را یک حرکت شیعی به معنای فرقه‌ای آن - و نه اسلامی به معنای عام - معرفی کرده، و از سوی دیگر، در ایجاد نفاق و تقار میان شیعه و سنی سعی بلیغ کنند. ما از آغاز با توجه به این مکر شیطانی، همواره اصرار بر وحدت فرقه مسلمین داشته و کوشیده‌ایم این فتنه‌گری را خنثی کنیم و بحمدالله با تفضل الهی توفیقات فراوان نیز داشته‌ایم، که یکی از آخرین آنها، تشکیل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است و هم‌اکنون در سراسر جهان اسلام، علما و روشنفکران و شعرا و نویسندگان و عامه‌ی مردم از همه‌ی مذاهب اسلامی، دوشادوش و با یک زبان و یک نفس، از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دفاع میکنند؛ لیکن دشمن با پول و طرح و تبلیغ و خباثت فراوان مجهز است و متأسفانه در نقاطی از جهان کسانی را می‌یابد که بتواند با تطمیع و اغفال، بر ذهن و زبان آنان تسلط یابد. لذا گاه‌به‌گاه در کشوری از یک سیاستمدار، و در کشور

۱. در دیدار هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیرخم

۱۳۸۷/۹/۲۷

دیگری از یک عالم‌نما یا انقلابی‌نما شنیده میشود که به تشنّیع و ناسزا به شیعیان یا به ملّت ایران - که بزرگ‌ترین انقلاب معاصر را به وجود آورده و به گونه‌ای بهت‌انگیز از آن دفاع کرده‌اند - زبان می‌گشاید و قلم میراند. یا در کشور مسلمان پاکستان - که ملّت آن، در شمار عزیزترین ملّتها برای ما و همیشه در خطّ دفاع از اسلام و جمهوری اسلامی ایران بوده و هست - کسانی با دلارهای دشمنان اسلام و وحدت مسلمین، جلسات دایر میکنند و کتاب و مقاله مینویسند، تا شیعه و تشیّع اهل بیت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به باد حمله بگیرند و به مقدّسات اهانت کنند.^۱

• ایجاد شکاف و اختلاف در بدنه‌ی حاکمیت نظام

دشمن وقتی میتواند به هدفهای خودش برسد که بتواند در بدنه‌ی حاکمیت نظام و در مسئولان بخشهای مختلف، اختلاف و شکاف ایجاد کند. دشمن دنبال این قضیه است... درگیری در سطوح بالای حکومت، همان چیزی است که دشمن آن را میخواهد و آن را بجد تعقیب میکند. همان چیزی که قبلاً عرض کردم: اگر توانستند کسی را نفوذ دهند، این کار را میکنند - که خوشبختانه تاکنون در مراکز بالا چنین توفیقی پیدا نکرده‌اند و ان شاء الله بعد از این هم توفیق پیدا نخواهند کرد - اما راه دیگری که در دسترس آنها است، این است که خودشان را به بعضی نزدیک نشان دهند و علیه بعضی و به نفع بعضی دعوا را تشدید کنند. یکی از سیاستهای واضح و روشن ضدّ انقلاب در چند سال اخیر همین نکته بوده است. اگر حرف میزنند، با این هدف است؛ اگر موضع‌گیری میکنند، با این هدف است؛ اگر رادیو به راه می‌اندازند، با همین هدف است. در داخل هم دنباله‌های ضدّ انقلاب

۱. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

و عوامل سرویسهای جاسوسی خارجی هستند - این طور نیست که نباشند - اینها نیز همان طور موضع گیری میکنند، همان طور حرف میزنند و همان هدف را تعقیب میکنند. فقط ایجاد شکاف در دستگاههای بالای حکومتی، هدف آنها نیست؛ ایجاد شکاف در حوزهی علمی هم هدف دیگر آنها بود. سعیشان این بود که بین مراجع و بزرگان و علمای نامدار در سطح حوزهی علمی، اختلاف ایجاد کنند، که خوشبختانه نتوانستند و امیدواریم در هیچ جا نتوانند.^۱

• نفوذ در درون ملت و ایجاد تردید

خیال نکنید ملت‌های دنیا نسبت به شعارهای شما بی تفاوتند. هر چند دولتهای آنان غالباً محافظه کارند و مجبورند به نحوی ملاحظه کنند؛ لیکن ملت‌ها این شعارها را تا اعماق وجود میفهمند، می شنوند، مینویسند و به آنها معتقد میشوند. اعتقادات مردم ما، شعارهای اساسی امروز ملت‌های مسلمان است. دشمن بشدت از این امر بیمناک است.^۲ هرگز دشمن آرام نمی نشیند. یک سیاست خبیثی از دوران طاغوت بر کشور حاکم بود و آن عبارت بود از بیگانه دانستن اقوام گوناگون؛ گرد بیگانه بود، بلوچ بیگانه بود، ترک بیگانه بود، عرب و ترکمن بیگانه بودند، اینها را بیگانه حساب میکردند. در عملکرد آنها هم این معنا مشهود بود.^۳ تردیدافکنی در ارزشهای اصولی، بزرگ‌نمایی مشکلات و نفی موقفیت‌ها، از نیازهای قطعی آمریکا است. آمریکا به این عوامل و شرایط نیاز دارد تا بتواند موقفیت خود را در تقابل با جمهوری اسلامی تضمین کند. هر کس در این زمینه‌ها به نفع آمریکا کار کند، در واقع زمینه سازی

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۹/۱۲/۲۶

۲. در دیدار جوانان استان سیستان و بلوچستان ۱۳۸۱/۱۲/۶

۳. در دیدار مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج ۱۳۸۸/۲/۲۲

میکنند برای اینکه آمریکا بتواند مقاصد خودش را، ولو با شیوه‌ی نظامی یا شبه نظامی، نسبت به ملت ایران انجام دهد. البته در بعضی جاها انسان میبیند این تصوّر و تصویر را خیلی پروبال میدهند تا آمریکا را به عنوان یک قدرت موفق در حال پیشرفت و پیروزی معرفی کنند و جبهه‌ی مقابل را در حال انفعال نشان دهند. این صددرصد نادرست و غیر واقعی است؛ این محصول کار تبلیغاتی رسانه‌های آمریکایی است؛ به هیچ وجه این طور نیست. پیروزی نظامی بر رژیم صدام، غیر از برآورده شدن هدف آمریکا در مسئله‌ی عراق و حتی افغانستان است. البته مسئله‌ی عراق از مسئله‌ی افغانستان خیلی مهم‌تر است؛ مشکلات آمریکا در عراق هم بمراتب بیشتر از مشکلاتش در افغانستان خواهد بود. می‌خواهند این طور وانمود کنند که مسئله تمام شده و آمریکا به همه‌ی هدفهای خود رسیده است؛ در حالی که به هیچ وجه این طور نیست؛ مسئله تمام نشده است و مشکلات فراوانی بر سر راه اینها قرار دارد.^۱

ما در این ۳۲ سال تجربیات زیادی داریم. ۳۲ سال است که ما با دشمنی‌ها معارضه کرده‌ایم، ایستادگی کرده‌ایم و بر دشمنی‌ها فائق آمده‌ایم. هیچ توطئه‌ای نبوده است که غرب و آمریکا بتوانند علیه جمهوری اسلامی انجام بدهند و انجام نداده باشند. هر کاری نکردند، چون نمیتوانستند. هر کاری توانستند، کردند و در همه‌ی مراحل توی دهانشان خورده است و شکست خورده‌اند... بعد از این هم در همه‌ی توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی شکست خواهند خورد؛ این وعده‌ی الهی است به ما و ما شک نداریم. ما در صدق وعده‌ی الهی تردید نمیکنیم. ما به خدای متعال سوءظن نداریم. خدای متعال ملامت میکند کسانی را که به او سوءظن دارند؛ «وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ

۱. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

وَعَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا^۱. وعده‌ی خدای متعال، وعده‌ی صادق است. ما چون وارد میدانیم، داخل عرصه‌ی مبارزه هستیم - ملت ایران همه‌ی امکانات خود را وارد عرصه کرده است - بنابراین نصرت الهی قطعی است. در همه‌ی کشورهای دیگر هم همین جور است. منتها باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما باید هوشیار باشیم. همه‌ی ما بایستی متوجه مکاید دشمنان باشیم. دشمن سعی میکند حرکتها را خنثی کند، اختلاف ایجاد کند.^۲

• الگوتراشی در جوامع مختلف

امروز سعی میشود در زمینه‌های گوناگون برای جوامع مختلف الگو تراشیده بشود. حقیقتاً سیاستهایی این را دنبال میکنند. وقتی شما می‌بینید فرضاً یک موجود منحرف دوجنسی بدون اینکه یک هنر فوق‌العاده برجسته‌ای داشته باشد، یکهو اول در تمام رسانه‌های آمریکایی و بعد غربی، اسم و رسم پیدا میکند و مجلات معتبر و پرتیراژ غربی عکسهای او را، زندگینامه‌ی او را، سنین مختلف او را، شکل‌های گوناگون زنانه و مردانه‌ی او را منعکس میکنند، این را نمیشود حمل بر یک امر تصادفی کرد؛ این، فکر شده است. اینها الگوسازی‌هایی است برای منحرف کردن نسل‌های بشری. آماج حمله هم فقط ایران نیست. با مشاهده‌ی این چیزها، در ذهن انسان تأیید میشود آن چیزی که سالها قبل به عنوان پروتکل‌های صهیونیستی در دنیا منتشر شد و به زبانهای مختلف ترجمه شد؛ که یکی از مواد آن پروتکل‌ها این بود که باید نسل‌های بشری از رویه‌ها و روش‌های انسانی متعارف دور بشوند؛ دچار انحرافات اخلاقی بشوند... ما

۱. سوره‌ی فتح، آیه ۶؛ «و [تا] مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است!»

۲. در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی ۱۳۹۰/۱۱/۱۰

نیاز داریم برای جوان خودمان، برای نسل نونهال خودمان، الگوهایی را از بخشهای مختلف مشخص کنیم؛ آن کس که علاقه‌ی به علم دارد، آن کس که علاقه‌ی به هنر دارد، آن کس که علاقه‌ی به ادبیات دارد، آن کس که علاقه‌ی به تاریخ دارد، آن کس که علاقه‌ی به کارهای عملی دارد، آن کس که علاقه‌ی به کشاورزی یا صنعت یا فناوری دارد، هر کدام بتوانند الگوهای شایسته‌ی خودشان را پیدا کنند.^۱

• بیگانه‌سازی از هویت اسلامی

هر پدیده، یا شخص، یا حکومتی و نظامی که مسلمانان را از هویت اسلامی‌شان بیگانه کند، یا به تفرق و پراکندگی بکشانند، یا به کسب عزت و عظمت اسلامی بی‌اعتنا، یا از آن مأیوس سازد، کاری دشمنانه میکند؛ و اگر خود، دشمن نیست، سرانگشت دشمن است! شیطان در قرآن، تعبیری از نیروهای شرآفرین و فسادآفرین و انحطاط‌آفرین است که در صف مقابل انبیا قرار میگیرد؛ «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ»^۲ و در سراسر قرآن، یاد و نشان شیطان تکرار شده و در تمام طول مدّت نزول وحی، از آن نام برده شده است. این بدان معنا است که یاد و نشان دشمن، هرگز نباید مورد غفلت جوامع مسلمان قرار گیرد.^۳

• ایجاد تقابل در منابع انسانی و مالی

امروز در دنیای اسلام، پول زیاد است، فکر زیاد است، نیروی انسانی قابل‌ی وجود دارد، جمع کثیری از علما، شعرا، نویسندگان، هنرمندان و

۱. در دیدار با نخبگان و برگزیدگان علمی استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۶

۲. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲؛ «و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای

انس و جن برگماشتیم.»

۳. پیام به حجاج بیت‌الله الحرام ۱۳۷۷/۱/۱۲

شخصیتهای سیاسی قابل در دنیای اسلام هستند و بخش عمده‌ای از منابع عظیم مالی و منابع زیرزمینی - معادن خداداد زیرزمینی - در اختیار کشورهای اسلامی است. اگر اینها با هم همسو باشند، یا لاقبل علیه هم کار نکنند، ببینید در دنیا چه اتفاقی خواهد افتاد!

• ایجاد دودستگی و انشقاق

امروز مسئولیت من و شما خیلی خطیر است. بایستی با عقل، تدبیر و همراه با توکل به خدا و شجاعت، نه با جبن، راه را طی کرد. اولین کار، استحکام داخلی است. نباید بگذارید این مباحثات و بگومگوها به مقابله و مواجهه و تخاصم تبدیل شود؛ این تنها توصیه‌ی من به شما است. گفتن و شنودن و اعتراض کردن، هیچ اشکالی ندارد. افرادی از اعتراض کردن بدشان می‌آید که یا متکبرند یا پشوانه‌ی مردمی ندارند؛ می‌ترسند؛ دلشان می‌لرزد. اگر کسی اهل تکبر نباشد - که خدای متعال را شکر میکنیم که این آلودگی را در ما قرار نداده - و متکی به حمایت مردم باشد، به هیچ وجه از این گفتن‌ها و شنیدن‌ها ناراحت نمیشود؛ اما مراقب باشید که از این گفت و شنودها، دشمن همان چیز را که میخواهد وانمود کند، به دست نیاورد. امروز یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن این است که بگوید در داخل نظام جمهوری اسلامی دودستگی است و این دو دسته با هم بدند... نگذارید این تصویرسازی مطلوب دشمن تحقق پیدا کند؛ این را مراقب باشید. بحث و مجادله و مباحثه و گفتگو را طلبگی انجام دهید. امام هم مکرر به ما می‌فرمود. واقعیت هم همین است که در محیط‌های طلبگی، گاهی دو طلبه دعوا و جنجال میکنند، عصبانی میشوند، اما وقتی مباحثه تمام میشود، با

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام و مهمانان خارجی شرکت کننده در کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴

یکدیگر ناهار و چایی میخورند و «لَمْ يَكُنْ شَيْئًا مَذْكُورًا»^۱! حرفهایشان را میزنند، اما بینشان دشمنی و شکاف ایجاد نمیشود. در بحث، منطق و استدلال باشد، چهارچوب هم چهارچوب قانون است. قانون هم در درجه‌ی اول، قانون اساسی است. این چهارچوب را رعایت کنید. بنده آن روز هم به جوانان دانشجو گفتم که قانون آمده تا جای صدای کلفت را بگیرد... امروز روزی نیست که اگر از این وظیفه‌ی حفظ استحکام داخلی عدول کنیم و آن را پشت سر بیندازیم، خدای متعال و مردم و تاریخ بر ما ببخشایند؛ امروز روزی نیست که بشود این وظیفه را نادیده گرفت؛ باید هوشیار بود. نباید در نیروی دشمن مبالغه کرد و نباید هم دشمنی و کید او را نادیده گرفت؛ باید مراقب بود. امیرالمؤمنین فرمود: «وَاللّٰهُ لَا أَكُونُ كَالصَّبْعِ تَنَامُ عَلَى طُولِ اللَّدْمِ»^۲. معروف است بین عرب‌ها که گفتار را وقتی می‌خواهند صید کنند، پایکوبی میکنند و آهنگی می‌خوانند که خواب‌آور است. گفتار را با آهنگی در لانه‌اش می‌خوابانند و وقتی خوابید، به سراغش می‌روند. حضرت امیرالمؤمنین می‌فرماید: «وَاللّٰهُ لَا أَكُونُ كَالصَّبْعِ»؛ من آن گفتاری نیستم که مرا با پایکوبی آوازه‌خوانی بخوابانند و هر کار می‌خواهند، بکنند.^۳

متن ملت عزیز ما، تسلیم فشار تبلیغاتی دشمن نشده و نخواهد شد؛ اما کسانی که خودشان اشتباه کردند، در بین ما هستند. اینها راه غلطی رفتند و بعضی از مجموعه‌ها را هم با خودشان به راه غلط کشاندند. امام به ملت ما یاد دادند که باید مسئولان در فکر ضعف‌ها و پابره‌نه‌ها باشند و به نیازهای مردم توجه کنند... امام به ما یاد دادند که هر چه فریاد دارید، بر سر آمریکا بکشید؛ اما عده‌ای فریادهای خود را بر سر خودی‌ها

۱. سوره‌ی انسان، بخشی از آیه‌ی ۱: «چیزی درخور یادکرد نبود.»

۲. نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۶: «به خدا قسم به مانند گفتار نیستم که با آهنگ ملایم می‌خواهد تا شکارچی دررسد.»

۳. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

کشیدند؛ به دیگران هم یاد میدهند که بر سر همدیگر فریاد بکشند! امام در وصیت‌نامه و در تعلیمات دوران حیات بابرکت خود تکرار میکردند که از غریبه‌ها و نامحرم‌ها و نفوذی‌ها برحذر باشید. مراقب باشید تا کسانی که با این انقلاب و این نظام و این اسلام و با منافع مردم هیچ میانه‌ی خوبی ندارند، در ارکان تصمیم‌گیری کشور نفوذ نکنند. مسئله‌ی غریبه‌ها و نااهل‌ها و نامحرم‌ها را، اول امام مطرح کردند. اینها در مقابل آن جهت و آن خط روشن، میگویند از دوستان و از خودی‌ها برحذر باشید و پرهیز کنید. اینها را با نامهای گوناگون و چپ و راست مطرح میکنند.^۱

• تبلیغات جبهه‌ای و فتنه‌انگیزی مستمر

دشمنان وقتی هم شروع میکنند، همه با هم شروع میکنند؛ چون طرف، یک جبهه است. از جمله، همین خبرگزاری‌های صهیونیستی و استکباری -همین چهار پنج خبرگزاری معروف- که همه‌ی آنتنهای دنیا، خبرها، تحلیلها و گزارشها را از آنها میگیرند؛ و همین چند رادیویی که سالها است میلیون‌ها دلار خرج میکنند، برای اینکه بتوانند مثلاً صدایشان را به گوش چند نفری در ایران برسانند.^۲

ما در اختلافات بزرگ مذهبی، فکری، سیاسی دیده‌ایم که کسانی وارد میدان فتنه‌انگیزی میشوند و از زبان این، آن را میکوبند؛ از زبان آن، این را میکوبند؛ در حالی که نه به این علاقه دارند، نه به آن! اینها را پیدا کنید؛ مقصران اصلی بایستی مشخص شوند، که مطمئناً دست دشمن در کار است. بعضی اظهارات، متأسفانه عزیزترین قشرهای این کشور، جوانان مؤمن و بسیجی را زیر سؤال برد!^۳

۱. در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران حرم مطهر امام رضاع، ۱۳۸۰/۱/۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه در دانشگاه تهران ۱۳۷۲/۱۱/۲۹

۳. در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه و خانواده‌های شهدای فاجعه‌ی هفتم تیر

۱۳۸۴/۴/۷

• استفاده از ابزار تبلیغات و کنترل افکار عمومی

یکی از شگردهای دشمن، تبلیغات است. تبلیغ کنند که جمهوری اسلامی نتوانست، تبلیغ کنند که اسلام کافی نیست، تبلیغ کنند که مردم ایران ترسیدند و عقب‌نشینی کردند. تبلیغ کنند که ملت ایران، از انقلاب و از اسلام فاصله گرفته‌اند. تبلیغ کنند که دولت ضعیف است و نمیتواند کار کند. سعی کنند که احساسات قشری و صنفی را در افراد زنده کنند، تا چوب لای چرخ دولت و مسئولان و کارگزاران کشور بگذارند.^۱

دشمن میخواهد افکار عمومی را در اختیار گیرد. شما باید نگذارید که او افکار عمومی ملت خودتان و ملتهای دیگر را - تا هر جایی که صدای شما میرسد - در اختیار گیرد. شما امروز حادثه‌ای مثل حادثه‌ی فلسطین را ببینید که دیگر در آنجا جبهه‌ی حق و باطل معلوم است. ملتی را از سرزمین آبا و اجدادی اش - که استخوانهای اجدادش در این زمین دفن شده و همه‌ی تاریخ میگوید که اینجا مال او است - و از خاک و زندگی و خانه و از حق انتخاب در کشور خودش محروم کردند و یک عدّه بیگانه را از اروپا و اروپای شرقی و روسیه و آمریکا و از جاهای دیگر جمع کرده‌اند و گفته‌اند شما اینجا را اداره کنید!... شما ببینید همین را جماعت طرفدار حضور اسرائیل در این منطقه - آمریکا و خود صهیونیست‌ها و بعضی دولتهای دیگر - چگونه در افکار عمومی دنیا عوض کرده‌اند! یعنی افکار عمومی را طوری تغییر داده‌اند که امروز در مقابل این حوادث تلخ در دنیا حرکت مهمّی انجام نگیرد.^۲

آمریکایی‌ها از [همان] روز اوّل شروع کردند. یک سندی اخیراً منتشر شده - که برای من آوردند؛ ظاهراً همین چند هفته‌ی پیش - از یک

۱. در مراسم ویژه‌ی روز بسیج در پادگان امام حسن مجتبی (ع) ۱۳۶۹/۹/۵

۲. در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵

مرکز معتبر آمریکایی؛ که اسناد مهمی را مثلاً بعد از گذشت سی چهل سال منتشر میکند. این [مرکز] یک سندی را منتشر کرده که میگوید در دسامبر ۱۹۷۹ یعنی حدود ده ماه بعد از پیروزی انقلاب ما -انقلاب در فوریه‌ی [سال] ۷۹ مسیحی پیروز شد؛ این در دسامبر است؛ حدود ده ماه تقریباً فاصله است - کارتر یک دستوری میدهد به سازمان سیا؛ دستور این است که جمهوری اسلامی ایران را سرنگون کنید. این مال آن روز است؛ یعنی همان اوایل انقلاب، رئیس‌جمهور آمریکا دستور سرنگونی جمهوری اسلامی ایران را - با خواب آشفته‌ای که لابد دیده - به سازمان سیا صادر میکند. آن وقت نکته‌ی جالب توجه این است که ذکر میکند به چه وسیله ساقط کنید. اولین نقطه‌ای که ذکر میکند تبلیغات است؛ پروپاگاندا. میگوید تبلیغ کنید علیه جمهوری اسلامی. به نظرتان این سیاست آشنا نیست؟ تبلیغ علیه جمهوری اسلامی؛ تبلیغ در دنیا، تبلیغ در افکار عمومی، تبلیغ در داخل کشور. این کاری بوده که آن روز اینها شروع کردند؛ تبلیغات. البته فقط تبلیغات نبود؛ تحریم هم بود، جاسوسی هم بود، نفوذ هم بود، زمینه‌سازی برای کودتای نظامی هم بود، از این چیزها هم بود، اما اول تبلیغات را اسم می‌آورد، میگوید با تبلیغات. این تا امروز ادامه دارد؛ از سال ۷۹ میلادی - که میشود سال ۵۸ - تا امروز، ۴۳ سال است که این سیاست آمریکا ادامه دارد؛ سیاست هدف‌گیری سرنگونی جمهوری اسلامی. به چه وسیله؟ به وسیله‌ی تحریم، به وسیله‌ی نفوذ، به وسیله‌ی فشار حداکثری، به وسیله‌ی ایجاد اتحادهای ضد ایرانی، ایران‌ستیزی، اسلام‌ستیزی، شیعه‌ستیزی؛ به این وسیله‌ها، و در رأسش به وسیله‌ی تبلیغات. الان ۴۳ سال است که آمریکایی‌ها این کار را دارند میکنند و تا همین امروز این کار دارد انجام میگردد.^۱

امروز الگوی زندگی سیاسی و اقتصادی و منش کلی انقلابی ما

۱. در دیدار مردم قم ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

همان چیزی است که از امام دانسته‌ایم و شنیده‌ایم و همان منش و افکار و رفتار امام - که درست هم بود، منطبق بر حق هم بود، با همه‌ی جان و دل هم ملت ایران و مسئولان دنبال آن راه بودند و بعد از آن هم هستند - راه حق است و یک لحظه نباید از راه حق جدا شد. واقعیت این است؛ منتها دشمن دست بردار نیست.^۱

• استفاده از ابزار هنر و مطبوعات کشور

دشمن وقتی که می‌خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می‌گیرد، که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست؛ هم در عالم کتاب هست، هم در عالم مطبوعات هست، هم در عالم هنر هست. البته وقتی ما می‌گوییم که این فکر غلط، یا این طرح غلط، یا این سخن نادرست، در چهارچوب یک طرح امنیتی و براندازی قرار دارد، ممکن است صاحب آن اندیشه، مطلقاً نداند که چه کار میکند!... خطا است اگر کسی گمان کند ما که نسبت به مسئله‌ی مطبوعات و کتاب و نوشتن و نشر در جامعه حساسیت به خرج می‌دهیم، با تفکر آزاد، با فکر آزاد و با مباحثه‌ی آزاد مخالفیم؛ نه. ما کسانی هستیم که اولین شعارهای این مسائل را داده‌ایم و الحمدلله تا الان هم دنبالش بوده‌ایم؛ اما با آزادی گناه و آزادی ویرانگری مخالفیم. نمیشود اجازه داد که نسل جوان یک کشور که به اعتماد ما می‌آید کتاب را از شما می‌خرد و می‌گوید اینها متدینین و در رأس کار هستند، از این طریق گمراه یا فاسد شود؛ یا از این طریق دشمن بخواهد کاری انجام دهد.^۲

من شنیده‌ام که در قضایای جنگ جهانی در روسیه، شور علی‌اف^۳

۱. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران

۱۳۷۰/۴/۱۸

۲. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه‌ی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸/۲/۲۸

۳. موسیقی که در زمان شوروی سابق خوانده میشد.

—آهنگ معروفی است که البتّه من نه آهنگش را شنیده‌ام، نه درست میدانم چیست؛ آقایان میدانند— در تهییج مردم برای وارد شدن به میدان جنگ، بیشترین تأثیر را داشت؛ یعنی در خدمت اهداف مردمی قرار گرفت. به طور طبیعی این توقّع از هنرمند هر کشوری وجود دارد؛ بنابراین چطور میتواند نسبت به این قضیه بی تفاوت بماند؛ در حالی که دشمن از ابزار هنر استفاده میکند.^۱

• تحقیر جریان هنر و فرهنگ انقلاب

من وقتی به تنوّع ابزارهای دشمن نگاه میکنم، میفهمم چقدر این قضیه برای اینها اهمّیت داشت! یکی از کارها این بود که جریان ادب و هنر و فرهنگ انقلابی را در کشور تحقیر کنند و به انزوا بکشانند. این یکی از کارهایشان بود. از جمله کارهای مهمّی که انقلاب کرده، یکی این است که یک عده عنصر فرهنگی و ادیب و هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی تربیت کرده و بحمدالله کم هم نیستند. شعرای زیادی به وجود آمدند؛ داستان‌نویسان زیادی به وجود آمدند؛ نویسندگان قلم‌زن دقیق فارسی‌نویس محکمی به وجود آمدند و بحمدالله هستند. از اوّل انقلاب تاکنون، سیزده سال گذشته است. شما نگاه کنید ببینید کدام سیزده سال در دوران عمر فرهنگی و تاریخی ما، توانسته است شخصیت‌های درجه‌ی یک به وجود آورد؟ البتّه اینها تا شخصیت درجه‌ی یک بشوند، هنوز فاصله دارند؛ اما کسانی که شخصیت درجه‌ی یک بشوند، در این مجموعه‌ای که انقلاب پدید آورده، زیادند. مادر میهن ما، در دوران استبدادهای اواخر دوران پادشاهی، سترون و عقیم شده بود... انقلاب است که این نیروها را آزاد کرد.^۲

۱. در دیدار اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

۲. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

• ارائه‌ی تصویر مخدوش و تهمت‌آلود از انقلاب

دشمن پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، همواره تا امروز سیاهه‌ای از اتهامات را متوجه ایران اسلامی کرده است. می‌بینیم که همان تهمتها امروزه به همه‌ی نهضت‌های اسلامی در هر جای دنیا که باشند نیز زده میشود. تهمت تعصب و جمود فکری که از آن، با عنوان «بنیادگرایی» نام می‌برند، تهمت تروریسم، تهمت بی‌اعتنائی به حقوق بشر، تهمت ضدّیت با دموکراسی، تهمت بی‌اعتنائی به حقوق زنان، تهمت ضدّیت با صلح و طرف‌داری از جنگ. اندکی انصاف، هر کسی را به دروغ بودن این تهمتها و بی‌شرمی واردکنندگان‌ش آگاه می‌سازد. ایران اسلامی در حالی متهم به مخالفت با دموکراسی میشود که از پنجاه روز پس از پیروزی انقلاب کبیر اسلامی تا چهارده ماه پس از آن، دو همه‌پرسی عمومی، که در یکی از آنها مردم ایران، جمهوری اسلامی را به عنوان نظام سیاسی کشور برگزیدند، و در دیگری به قانون اساسی رأی دادند، و سه انتخابات که در آنها به ترتیب: اعضای مجلس خبرگان برای نوشتن قانون اساسی، رئیس‌جمهور، و نمایندگان در مجلس شورای اسلامی معین شدند، در آن برگزار شده، و تا امروز همواره انتخابات آزاد، با شرکت پرشور مردم برای تعیین رئیس‌جمهور و نمایندگان مجلس، در موعد قانونی خود انجام گرفته است. تهمت به تروریسم را، کسانی به ایران اسلامی می‌زنند، که خود از دولت تروریست صهیونیستی بیشترین پشتیبانی را کرده و گروه‌های تروریست ضدّ انقلاب ایرانی را در زیر چتر حمایت خود قرار میدهند و حقوق‌بگیران آنان صدها بار در داخل ایران اسلامی بمب‌گذاری کرده و هزاران نفر از مردم عادی و عناصر انقلابی و مرد و زن و کودک بی‌گناه را به قتل رسانده‌اند. ضدّیت با صلح را کسانی به جمهوری اسلامی نسبت میدهند که جنگی هشت‌ساله را با تشویق رژیم بعثی عراق و به دست او بر ایران تحمیل کردند و در همه‌ی آن مدّت، انواع کمک‌ها را به آن رژیم که به خاطر حمله به ایران اسلامی،

رژیم محبوب آنان به شمار میرفت مبذول داشته‌اند. تضييع حقوق زنان، تهمت از سوی کسانی است که شأن والای زن ایرانی را که با حفظ حجاب و حدّ شرعی، در برترین فعالیتهای کشور شرکت می‌ورزد، نمی‌پسندند و ابتذال حاکم بر روابط زن و مرد و بهره‌کشی ناجوانمردانه از زن در جوامع غربی را، نسخه‌ی مطلوب در حیات اجتماعی زن می‌شمرند. تهمت نقض حقوق بشر را رژیمهایی متوجه ایران می‌سازند که خود قلمهای بزرگ و حیرت‌انگیز پایمال کردن حقوق انسانها را مرتکب شده یا زمینه‌سازی کرده‌اند.^۱

بوقهای تبلیغاتی دشمن مانند همیشه فریاد خواهند کرد که ایران می‌خواهد دخالت کند، می‌خواهد مصر را شیعه کند، می‌خواهد ولایت فقیه را به مصر صادر کند و می‌خواهد و می‌خواهد... این دروغها را سی سال است می‌گویند تا ملتهای ما را از یکدیگر جدا و از کمک یکدیگر محروم کنند و مزدوران آنها هم آن را تکرار میکنند. «يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ»^۲. با این ترفندها، هرگز وظایفی را که اسلام بر دوش ما گذاشته است، رها نخواهیم کرد.^۳

• جنجال آفرینی زیر نام آزادی

عزیزان من! امروز همدلی شما مردم در هر نقطه‌ی کشور، یک امر تشریفاتی و تزیناتی نیست؛ یک امر ضروری است. چیزهای مورد اختلاف را مطرح نکنند، به نقاط اختلاف فکری تکیه نکنند، چیزهای مورد اتفاق را بگویند. همه‌ی این مردم، مسلمانند. همه‌ی این مردم،

۱. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۲/۲/۲۸

۲. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲: «بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا میکنند؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند.»

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۹/۱۱/۱۵

طرف‌دار اسلام و قرآنند. تمام این مردم، انقلابشان را دوست دارند، امام بزرگوار و رزمندگان مدافع شرف و حیثیت را دوست دارند؛ روی اینها تکیه کنید. کسانی نیابند چیزی را بهانه قرار دهند. مثلاً یک وقت کسی یک کلمه حرفی زده، این را بهانه برای جنجال کنند! یا دستگاه قضائی با یک نفر برخورد کرده، آن را بهانه برای جنجال کنند! یا یک نفر در فلان دستگاه امنیتی، یا اقتصادی، یا سیاسی، حرکتی انجام داده است، این را بهانه برای جنجال کنند! این جنجالها به ضرر کشور است؛ چرا؟ چون دلهای مردم را از هم دور میکند. همه‌ی اینها هم زیر نام آزادی است! آزادی هدیه‌ی الهی و هدیه‌ی انقلاب است. آزادی متعلق به مردم و جزء فطرت مردم است. اما این کارها ربطی به مسئله‌ی آزادی ندارد؛ اینها بخشی از نقشه‌ی دشمن است.^۱

• وعده‌ها و لبخندهای فریبنده

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوایل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد میشکند. بدون هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی میکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ میگویند!^۲

۱. در دیدار مردم مشهد و زائران علی‌بن موسی‌الرضا (ع) در صحن امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۱/۱

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۹۰/۱۱/۱۴

ما یک جاهایی اعتماد کردیم به دشمن، ضربه خوردیم؛ با اینکه میتوانستیم اعتماد نکنیم، با اینکه گمان نمیکردیم اعتماد کنیم، اما کردیم. این اعتماد کردن به دشمن و به وعده دشمن، به ما ضربه میزند؛ اینکه ما استبعاد کنیم که «نه، بعید است اینکه گفته اند عمل نشود»، این درست نیست. آن وقتی که بحث کار با بیگانگان است، باید با دقت تمام روی جزئیات تکیه کرد و ملاحظه کرد و وسواس به خرج داد و احتیاط به خرج داد. نباید به اینها اعتماد کرد؛ نه در عمل اعتماد کنیم، نه در کیفیت بیان. این را هم من عرض بکنم که بعضی از شما حضرات محترم که اینجا تشریف دارید، غیر از مسئولین درجه‌ی یک کشور [یعنی] رؤسای قوا و مانند اینها، افراد گوناگون دیگری هستند که اینها اهل سخن گفتند، یعنی اهل منبرند - که منبر را بنده به جای تریبون به کار میبرم - دارای منبرند و میتوانند حرف بزنند و حرف آنها شنیده میشود؛ در لحن بیان [این افراد] هم بایستی احساس اعتماد به دشمن نشود؛ این، هم در ذهنیت داخل تأثیر منفی میگذارد، هم در انعکاسش پیش مخالفین ما و دشمنان ما در خارج تأثیر میگذارد. گاهی در مقاطعی اتفاق افتاده است، ما مثلاً در یک مسئله‌ای کوتاه آمده‌ایم به عنوان اینکه در فلان قضیه «بهانه از دست آمریکایی‌ها یا از دست دشمن گرفته شود»، گرفته هم نشده، ما هم یک چیزی را از دست داده‌ایم! نباید اعتماد کرد؛ [همین‌طور] در مسائل گوناگون^۱.

«قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ»؛ آنچه در دل‌های نجس و سرشار از بغض و کینه‌ی آنها وجود دارد از اسلام و

۱. در دیدار مسئولان نظام ۱۳۹۶/۳/۲۲

۲. سوره‌ی آل عمران، بخشی از آیه‌ی ۱۱۸: «دشمنی از لحن و سخنشان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان میدارد، بزرگ‌تر است.»

مسلمین و بخصوص جمهوری اسلامی، خیلی بیشتر از آن چیزی است که در حرفهایشان ظاهر میشود.^۱

شیوه‌های دشمن از همیشه پیچیده‌تر و هشداردهنده‌تر است و مسلمین در سراسر جهان باید مسئله را از همیشه جدّی‌تر بگیرند و برای آن فکری و کاری بکنند.^۲

• طلبکاری بی‌پایان دشمن

دشمن، سیاسی و سیاستمدار است؛ مغز طراح سیاسی دارد، فکر میکند که چه کار باید بکند. یکی از طراحی‌ها این است که حرف آخر را اوّل زنند؛ آرام‌آرام و بتدریج طلبکاری ایجاد نمایند و طرف مقابل را وادار به عقب‌نشینی کنند. به مجرّدی که عقب‌نشینی کردید، طلبکاری دیگری شروع خواهد شد. حالا بعضی‌ها میگویند چیزی بدهیم، چیزی بگیریم! بدهیمش درست است، بگیریمش درست نیست؛ هیچ چیز نخواهند داد. شعارهایی را درست میکنند؛ ایران را در محور شرارت گذاشته‌اند. فلان کارها را بکنیم تا ما را از محور شرارت بردارند! این شد حرف؟! غلط کردند گذاشتند که حالا بنخواهند بردارند. دوباره و هر وقت لازم شد، ما را در محور شرارت میگذارند. اگر قرار است قدرتی این امکان و توان را پیدا کند که اخمه‌ایش را در هم بکشد و بگوید من قوی هستم و میزنم و میبرم و میبندم؛ حواستان جمع باشد، انسان جا بخورد، این جا خوردن، حدّیقف ندارد... من این موضوع را بارها به بعضی از مسئولانی که دچار وسوسه و واهمه‌هایی بودند، گفته‌ام که حدّیقف فشار آمریکا کجا است؛ آن را مشخص کنید، که اگر به آنجا رسیدیم، دیگر بعد از آن هیچ فشاری علیه ما نخواهد بود. من عرض کنم حدّیقف

۱. در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۱۳۹۷/۱۱/۲۹

۲. پیام به حجاج بیت‌الله‌الحرام ۱۳۷۰/۳/۲۶

کجا است؟ آنجایی است که شما - که چنین حقی را نه شما دارید، نه من - از طرف ملت ایران اعلام کنید که ما اسلام، جمهوری اسلامی و حکومت مردمی را نمیخواهیم؛ هر کسی که شما مصلحت میدانید، بیاید در این مملکت حکومت کند! این حدیقف است؛ اول اسارت مملکت. مگر میتوانیم؟ من و شما مگر میتوانیم مملکت را به دست دشمن بدهیم؟ مگر ما چنین حقی داریم؟ این ملت ما را برای این سر کار نیاورد.^۱

• مایوس کردن مردم از طریق شواهد دروغین

تبلیغاتچی‌های دنیا - و امروز بیشتر از گذشته - سعی میکنند ملت ایران را، که می‌رود تا به قلّه برسد، مایوس کنند. می‌گویند: «آقا، وضع اقتصاد خراب است! آقا، دنیا نمی‌گذارد! آقا، آمریکا نمی‌گذارد! آقا، مردم ناراحتند!» دائم در گوش مردم این چیزها را می‌خوانند؛ آن هم با روشهای تبلیغاتی بسیار زیرکانه. بنده حرفهای اینها را گوش میدهم. حرفهایشان را گاهی مستقیماً گوش میدهم و بسیاری اوقات هم مینویسند یا ضبط میکنند و برایم می‌آورند. من میبینم اینها چه می‌گویند. میبینم که نشسته‌اند و کلماتی را انتخاب کرده‌اند که مردم این حرف را باور کنند! یک دروغ مسلم را میخواهند مردم باور کنند! متأسفانه بعضی در داخل، هر چه حرف می‌زنند برای مایوس کردن مردم است؛ یا سکوت میکنند، یا اگر یک کلمه حرف هم زدند، برای این است که مردم را مایوس کنند! چرا مردم را مایوس میکنید؟^۲

یکی از ترفندهای تبلیغاتی دشمن همین است که ذهنها را به نحوی دچار تردید بکند که آینده چه خواهد شد؟ متأسفانه بعضی از افراد ساده‌دل

۱. در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۲/۳/۷

۲. در دیدار عمومی به مناسبت روز میلاد حضرت علی (ع) ۱۳۷۲/۱/۶

—شاید آدمهای مغرضی هم دنبال قضایا باشند— وقتی می‌بینند کشور به سمت سازندگی و آبادی پیش می‌رود، به جای کمک و به جای همکاری، به جای تسهیل امور، به جای روشن کردن افق دید مردم، یک هاله‌ای از ابهام و شک را بر همه چیز می‌گسترانند، [مردم را] دچار تردید می‌کنند.^۱

کاری که دشمن می‌خواهد بکند، این است که یأس را بر دلها حاکم کند و هر کس به گونه‌ای مأیوس باشد؛ دانشجو یک طور، دانش‌آموز یک طور، کارگر یک طور، روحانی یک طور، کاسب یک طور، اداری یک طور، مسئول دولتی یک طور، مسئول بلندپایه یک طور. هر کدام روشهایی دارند؛ ما از نزدیک می‌بینیم... ما مسئولانی را از کشورهای دیگر می‌بینیم که گاهی با ما صحبت می‌کنند، دلشان پر از یأس است. واقعاً آدم مأیوس چه کار میتواند بکند؟ ما سعی کردیم یأس را از دلهای آنها بیرون بکشیم و به جایش امید تزریق کنیم. بحمدالله ملت ما، ملت امیدوار و بانشاطی است. در مردم امید را تزریق کنید.^۲

در کشور، مایه‌های امید فراوان است؛ زیرساخت‌های کشور، امروز زیرساخت‌های بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده‌ی یک حرکت جهش‌وار به جلو است... یعنی همه‌ی این نقاط مثبت، این قلّه‌های برجسته‌ای که همه‌اش امیدافزا هست، اینها را سعی می‌کنند در چشمها کم‌رنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را —نمی‌گوییم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد— بزرگ‌نمایی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه‌نمایی کنند؛ تلقی‌های بدبینانه‌ی نسبت به نظام را گسترش بدهند.^۳

۱. در دیدار با اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۹/۱

۲. در دیدار با علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان ۱۳۷۶/۱۰/۳

۳. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

• توسل به فریب، ارباب و شایعه‌پراکنی

بزرگ‌ترین خطا و زیان و خطر برای یک کشور در چنین شرایطی این است که دشمن احساس کند که توانسته است او را مرعوب کند. اصلاً یکی از ابزار ابرقدرت‌ها مرعوب کردن است. گاهی اوقات هیبت ابرقدرتی در مقابل ضعفا تأثیرش از سلاح بیشتر است. بعضی کسان از ترس ابرقدرت همان بلایی را سر خودشان می‌آورند که آن ابرقدرت ممکن است سر آنها در بیاورد. مرعوب نشوید! بعضی کسان در گفتگوهای گوناگونی که این روزها وجود دارد، طوری حرف می‌زنند، به گونه‌ای عمل میکنند که آن انضباط لازمی را که در این شرایط، کشور به آن احتیاج دارد، بر هم می‌زنند. به نظر ما برخی از روی کج‌سلیقگی است و برخی نیز نتیجه‌ی همین مرعوب شدن است.^۱

همیشه دشمنان اسلام خواسته‌اند دل مسلمانان را مشوّش و مضطرب کنند. در طول تاریخ اسلام موارد زیادی پیش آمده است، قبل از اسلام هم در مورد حرکت‌های عظیم جهادی پیامبران قبل از نبی مکرم، مؤمنینی که توانستند ایمان خودشان را استوار نگه دارند، آرامش روحی پیدا کردند. این آرامش روحی حرکات آنها را در اختیار جهت ایمانی قرار داد؛ مشوّش نشدند، مضطرب نشدند، راه را گم نکردند؛ چون در حال تشویش و اضطراب، پیدا کردن راه درست دشوار میشود. انسانی که از آرامش روحی برخوردار است، درست فکر میکند، درست تصمیم میگیرد، درست حرکت میکند. اینها نشانه‌های رحمت الهی است.^۲

• ترویج شعارهای انحرافی در میان مردم

نظام اسلامی، بینات و واضحات و امر و نهی‌ای دارد. نظام اسلامی،

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

نظام عدالت است؛ هر بی‌عدالتی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام قسط است؛ هر تبعیضی محکوم است. نظام اسلامی، نظام استقلال ملی است؛ هر نوع وابستگی‌ای محکوم است. نظام اسلامی، نظام اخوت و برادری و پیوندهای قلبی آحاد ملت است؛ هر نوع تفرقه‌افکنی محکوم است. نظام اسلامی، نظامی است که مسئولان، خدمتگزار مردم و برای مردمند؛ هر نوع جدایی بین مسئولان و مردم محکوم است. این طور نیست که بشود در این نظام کسانی بیایند که بر طبق میل دشمنان این ملت و بر خلاف جهت کلی این نظام و این مردم و حرکت مردم در جهت اسلام، تلاش کنند و نظام اسلامی هم بیکار و ساکت و بی تفاوت بماند. مگر چنین چیزی ممکن است؟! همه‌ی آحادی که اهل فکر و اهل تأمل در مسائلند، باید بر روی این مسئله فکر خود را متمرکز کنند. امروز این کشور با این امکانات وسیع، با این جمعیت جوان، با این آفاق روشن آینده، با این پیشرفتهایی که بحمدالله در زمینه‌های مختلف در این بیست سال به وجود آمده است، با زمینه‌های مضاعفی هم که برای پیشرفت وجود دارد، مصلحتش در این است که حکیمانه و خردمندانه و شجاعانه، راه اسلام را - که دنیا و آخرت او را تأمین میکند - پی بگیرد و دنبال کند. دشمن، فریب و تبلیغات اغواگر خود را هم قطع نمیکند؛ نباید تسلیم تبلیغات اغواگر دشمن شد. آن کسانی که سعی میکنند با شعارهای انحرافی در میان مردم، ذهن مردم را از حرکت عمومی اسلامی و ایمانی آنها جدا کنند، به نفع دشمن کار انجام میدهند؛ چه بفهمند، چه نفهمند؛ چه بدانند، چه ندانند.^۱

• به انزوا کشاندن مجموعه‌های مؤمن

یکی از کارهای دشمن، این شد که این مجموعه‌های مؤمن را منزوی کند. جوان، بی تجربه است. به مجرد اینکه ببیند در یک دستگاه رسمی

۱. در مراسم دیدار گروه کثیری از سپاهیان و بسیجیان در مشهد ۱۳۷۸/۶/۱۰

کشور - مثلاً در یک مرکز فرهنگی کشور - دو نفر به او اخم کردند، به او بی‌اعتنائی کردند، او را تحقیر کردند، در حرکتش اثر میگذارد و او را گُند میکند. یا مثلاً وقتی ببیند که در مجلات به اصطلاح ادبی و هنری کشور، چهره‌های مخالف با این روش و خط را، بزرگ میکنند، برجسته میکنند، تعریف میکنند، این جوان دلش آب میشود و روحیه‌اش را از دست میدهد. وقتی یک فیلم‌ساز، اثرش را به مراکز میبرد که میتواند از او استفاده کنند و کاری کنند که بتواند کارش را ادامه دهد، اما با بی‌اعتنائی به او میگویند: «نه آقا؛ ما این را قبول نداریم؛ این‌طورش را قبول نداریم.» و بعد در همان حال ببیند انواع و اقسام کارهایی که از لحاظ مایه‌های هنری از کار او کمتر است اما چون مایه‌ی اسلامی ندارد مورد قبول آنها است، این جوان به خودی خود، منزوی و ناامید خواهد شد. من بارها از اعماق جان، قلبم برای این جوانان مؤمن و انقلابی، سوخته و گداخته است. بارها تأشّف خورده‌ام که چرا باید به جوانان به این خوبی، بی‌اعتنائی شود؟! اینها هیچ چیزشان از آن کسانی که در جاهایی به عنوان هنرمند معروف شده‌اند، کمتر نیست. در بسیاری از امور، از آنها خیلی هم بهترند؛ اما به اینها بی‌اعتنائی میشود. وقتی که انسان مطلب را بدرستی کاوش میکند، میبیند سر رشته میرسد به اراده‌ی خبثت‌آمیزی در نقطه‌ای! مسئولین هم متوجه نیستند. مسئولین فرهنگی، مردمان خوبی هستند؛ اما در سطوح بالا، از کارهایی که در سطوح متوسط انجام میگیرد، بی‌خبرند. لذا، این جوان، این مجموعه‌ی جوانان و این جریانها را، ناامید میکنند.^۱

• تلاش برای ضدّ ارزش کردن انقلابیگری

آن کسانی که تلاش میکنند انقلاب و انقلابیگری را ضدّ ارزش کنند،

۱. در دیدار وزیر، معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش سراسر کشور ۱۳۷۱/۵/۲۱

همان کسانی هستند که بیشترین ضربه را از انقلاب خورده‌اند. تردید در مفاهیم انقلابی، ضد ارزش است. تردید در مبارزه‌ی با قدرتهای ستمگر و سلطه‌گر و ظالم، ضد ارزش است. راه نجات ملت‌ها، در استقلال آنها از قدرتهای ستمگر است. همیشه سعی قدرتهای ستمگر این بوده که به ملت‌ها ثابت کنند بیخود تکان میخورند و اشتباه میکنند. راه نجاتشان این است که زیر بال ما بیایند و پلکان دیگری از پلکان عروج در امور مادی و سلطه‌ی نابحق بشوند! این را تفهیم میکنند. ما باور نمیکنیم و نمیخواهیم بگذاریم ملت‌های دیگر هم باور کنند.^۱

• تلاش دشمنان علیه بیداری اسلامی

بیداری اسلام، درست نقطه‌ی مقابل خواسته‌های آنها است؛ لذا با همه‌ی وجود با آن مخالفند و مخالفت سیاسی و تبلیغاتی میکنند. امروز همه‌ی شگردهای تبلیغاتی را دارند علیه اسلام اعمال میکنند. شما نگاه کنید ببینید کاری که دولتهای غربی علیه مسلمانان و علیه اسلام میکنند - چه در آمریکا و چه در اروپا - چقدر پیچیده و گسترده است. تمام ابزارهای هنری در اختیار آنها، در خدمت این هدف پلید است... مظهر این بیداری اسلامی کسانی نیستند که امروز چهره‌ی تروریسم را در دنیای اسلام دارند نشان میدهند. کسانی که در عراق این جنایت‌ها را میکنند؛ کسانی که در دنیای اسلام، به نام اسلام علیه مسلمانها فعالیت میکنند؛ کسانی که مهم‌ترین وظیفه‌ی خود را ایجاد اختلاف بین مسلمانها - تحت عنوان شیعه و سنی، تحت عنوان قوم‌گرایی - قرار میدهند؛ اینها نمیتوانند به هیچ وجه نمایشگر و نماد بیداری اسلامی باشند؛ این را خود مستکبران هم میدانند. اسلامی

۱. در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران

که امروز بیداریِ آن را دنیای اسلام دارد احساس میکند... اسلام فکر و اندیشه و تعمق و حرف نو است؛ اسلام ارائه‌ی راه‌حل‌های زندگی برای گشودن گره‌های زندگی بشریت است؛ نه اسلام متحجر، نه اسلام چشم‌پسته و نه اسلام دور از هر گونه آزادفکری؛ این را مستکبران می‌فهمند.^۱

• دشمنی با سرچشمه‌های جوشان بیداری اسلامی

یک استراتژیست آمریکایی در توصیه‌های خود به دولت آمریکا گفته بود: در کشورهای اسلامی به هیچ وجه نباید برای ایجاد دموکراسی عجله کرد؛ زیرا اگر امروز انتخابات آزاد در هر یک از کشورهای اسلامی برگزار شود، حکومت‌های اسلامی و جریان‌ات اسلامی سر کار می‌آیند و مردم اینها را می‌خواهند. این اعتراف بسیار عجیب و حرف بسیار مهمی است. می‌گوید دموکراسی در کشورهای اسلامی، زودرس است. این حرف و ادعا نشان‌دهنده‌ی آن است که تفکر بیداری اسلامی و بازگشت به اسلام - که کانون آن در جمهوری اسلامی و میان شما مردم بوده - منتشر شده و به همه‌ی دنیا رسیده است. این اعتبار و ارزش کمی نیست. این بذر اکنون پاشیده شده است. اگر مراکز قدرت و کانونهای استکبار جهانی بخواهند این بذر نروید، راهش چیست؟ طبیعی‌ترین راه این است که با سرچشمه‌های جوشان آبیاری‌کننده‌ی این بذر مقابله کنند.^۲ عزیزان من! حضور جمهوری اسلامی در این دنیای بزرگ، حضور این دولت قدرتمند، این نظام مقتدر و مستقل، این ملت شجاع و سربلند و فعال و کارآمد و مؤمن، این کشور بزرگ، این انقلابی که توفیق خود را در

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت مبعث فرخنده‌ی پیامبر مکرّم اسلام(ص)

۱۳۸۴/۶/۱۱

۲. در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۲/۲/۲۲

اغلب عرصه‌ها تا امروز اثبات کرده است -هم در پیروزی انقلاب، هم در پیروزی بر تهاجم دشمن بیگانه در جنگ تحمیلی، هم در عرصه‌ی سازندگی- و توانسته است وحدت ملی را به صورت کاملی حفظ کند، دشمنان اسلام را بشدت به فکر فرو برده است. آنها میترسند؛ چون می‌بینند که این انقلاب جاذبه دارد. هر جا در دنیا مسلمانی هست، وقتی سر بلند میکند و چشمش به این پرچم برافراشته و به اهتزاز درآمده می‌افتد، به هیجان می‌آید و احساسات اسلامی در او زنده میشود. شما ببینید از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیجانات و احساسات و حرکات اسلامی و موفقیت‌های گروه‌های مسلمان در منطقه‌ی اسلامی، چقدر زیاد شده است! از شمال آفریقا و الجزایر بگیرید، تا به اینجا برسید و به طرف شرق بروید. این، به برکت همین پرچم رفیع و بلند است. احساس استقلال، احساس هویت اسلامی و احساس شخصیت در جوامع اسلامی زنده شد و دشمن اسلام و مسلمین، خائف گردید. کسانی که ده‌ها سال تلاش کرده بودند تا مسلمانان را ضعیف و دل‌مرده و بی‌شخصیت و بی‌هویت بار بیاورند، ناگهان دیدند که همه‌ی بافته‌هایشان پنبه گردید و همه‌ی نقشه‌هایشان نقش بر آب شد. قیام این دولت اسلامی، به مسلمانان احساس اعتزاز داد. دشمنان در صدد برآمدند که از طرق مختلف، رابطه‌ی بین دولت اسلامی در ایران و بین جوامع و مجامع مسلمان در اقطار عالم را قطع کنند. این کار را میکنند.^۱

• وابسته کردن افراد سیاسی به خود

شما ببینید حکومت پهلوی را چه کسی سر کار آورد؟ رضاخان را چه کسی در این کشور حاکم کرد؟ اینکه دیگر جزو نقاط مبهم تاریخ

۱. در دیدار با مهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در سالروز میلاد خجسته‌ی پیامبر

اکرم (ص) و امام جعفر صادق (ع)، ۱۳۷۶/۵/۱

نیست. امروز همه میدانند که رضاخان را انگلیسی‌ها در این کشور سر کار آوردند؛ همچنان که وقتی احساس کردند رضاخان دیگر به دردشان نمی‌خورد، او را برکنار کردند و محمدرضا را سر کار آوردند. این جزو بخشهای واضح تاریخ معاصر ما است. کسانی که آنها را سر کار آوردند، همانها سعی میکردند با انواع سیاستهای گوناگون، آنها را وابسته‌ی به خودشان نگه دارند. وقتی نهضت مصدق در این کشور پیش آمد - که یک نهضت ملی بود - جایی که بیشترین احساس خطر را کرد، دستگاه حکومت و سلطنت نبود؛ انگلیسی‌ها بیشترین احساس خطر را کردند. بعد هم که انگلیسی‌ها دیدند از عهده‌ی کار برنمی‌آیند، آمریکایی‌ها را وارد کار کردند. آنها به یک معنا آمدند صحنه را از دست انگلیسی‌ها ربودند و حاکم شدند. یک نفر بلند شد و با یک چمدان دلار به اینجا آمد و با ایجاد یک بحران مصنوعی، حکومت ملی را سرنگون کرد و رژیم محمدرضا پهلوی بر کشور مسلط شد. این سیاست اینها است؛ این چیز واضحی است و مدارک و اسناد و دست‌نوشته‌های آن، امروز در دسترس همه قرار دارد.

البته متأسفانه شما جوانها کمتر فرصت میکنید به این چیزها مراجعه کنید؛ اما لازم دارید و باید بدانید. امروز اسم کسی که رضاخان را در ایران سر کار آورد، مشخص است؛ اسم کسی که محمدرضا را سر کار آورد، مشخص است؛ اسم کسی که به ایران آمد و پول آورد، مشخص است؛ نقشه‌ای که در آمریکا طراحی شد و در اروپا اتاق عملیاتش تشکیل گردید، مشخص است؛ اینها نقشه‌های واضح و مشخصی است که وزارتخانه‌های امور خارجه‌ی خود آنها اینها را منتشر کرده‌اند و امروز در اختیار همه‌ی ما است. از استقلال و خودباوری ملت ایران، سیاستهای زیاده‌خواه و دخالت‌جوی جهانی ضرر می‌بردند. برای یک ملت، سم بزرگ عبارت است از وابستگی؛ و پادزهر این سم، عبارت است از خودآگاهی، استقلال فکری، استقلال علمی، روی پای خود ایستادن، خود را اداره

کردن و خود را محتاج دیگران ندیدن. بنابراین، اینها باید این پادزهر را از دسترس این ملت دور نگه دارند؛ این طبیعی است.^۱

• برنامه‌ریزی برای تغییر ذهن خواص و ایجاد جنگ قدرت

دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می‌نشینند طراح می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاء الله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.^۲

دشمن بشدت بر روی جزئیات جریانات کشور ما حساس است. همان‌طور که همه میدانیم، اینها امید بسته بودند به این جور روزهایی: به روزهایی که خلأ وجود امام در جمهوری اسلامی آشکار بشود. امید بسته بودند به اینکه اختلافات بین مسئولین و آن چیزی که آنها آن را جنگ قدرت مینامند، آغاز بشود؛ امید بسته بودند به اینکه جمهوری اسلامی دچار آشفتگی سیاسی شدیدی بشود که به مسئولین - حتی اگر مسئولینی هم مشخص بشوند و مسئله‌ی رهبری حل هم بشود - اجازه و امکان ندهد که اوضاع کشور را جمع‌وجور کنند و کار را ادامه بدهند؛ امید بستند و بسته بودند به اینکه مردم در صحنه حضور پیدا نکنند و فقدان امام به معنای خاموش شدن شعله‌ی انقلاب تلقی شده بود در ذهن تحلیل‌گران خارجی. و امروز شما می‌بینید حیرت آنها را و تعجب آنها را از واقعیات

۱. در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

باشکوهی که در کشور ما دارد اتفاق می‌افتد و هر روز یک حادثه، تأیید میکند رشد مردم را و عمق ایمان انقلابی در دل‌های مردم را و رشد سیاسی مسئولین و دست‌اندرکاران را و موجب ناامیدی و حیرت آنها میشود.^۱

شما می‌بینید امروز تبلیغات جهانی روی چند چیز متمرکز است: یکی از آنها این است که در داخل نظام جمهوری اسلامی، مجموعه‌ی متصدیان و خدمتگزاران نظام و کارگزاران کشور را به دو دسته تقسیم میکنند و برای هر دسته اسم می‌گذارند؛ البته یک عده هم ساده‌لوحانه در داخل کشور همان حرفی را که آنها می‌زنند، تکرار میکنند که در واقع حرف اینها نیست، حرف آنها است. همان دشمن خارجی وقتی متصدیان نظام را به دو دسته تقسیم کرد، اعلام میکند ما با این دسته موافق و با آن دسته مخالفیم؛ یک دسته اسمشان اصلاح‌طلب است، یک دسته اسمشان محافظه‌کار است. اینها دام دشمنان است؛ همه باید متوجه باشند در دام دشمن قرار نگیرند. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) به ما می‌فرماید: «صَلِّحْ ذَاتَ بَيْنِكُمْ»^۲؛ دل‌ها را با هم صاف و به هم نزدیک کنید. اختلاف سلیقه‌ها را به معنای دشمنی تلقی نکنید. اختلاف نظر و اختلاف سلیقه، حتی اختلاف عقاید سیاسی و دینی و غیره، تا آنجایی که به مبانی عملی نظام ارتباطی ندارد، میتواند موجب دشمنی و جدایی و خصومت با یکدیگر نشود.^۳

• سوءاستفاده‌ی دشمن از نادانی افراد

برادران و خواهران عزیز! آنچه صلابت این ملت را حفظ خواهد کرد، عبارت است از وحدت حول محور ایمان و انقلاب؛ این چیزی است که دشمن را ناامید میکند. آنها خیال میکنند ما برای استحکام نظام خود

۱. در مراسم بیعت رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۶۸/۳/۲۴

۲. نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۴۷

۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۱/۹/۱

دنبال سلاح کشتار جمعی و دنبال اتم و این چیزها هستیم. اشتباه میکنند؛ این هم تحلیل غلط و اطلاعات نادرستی است. ما میدانیم آن چیزی که بمب اتم هم در آن کارگر نمیشود، عبارت است از یک ملّت مصمّم، عازم، مؤمن، متحد و یکپارچه؛ این است که کسی نمیتواند بر آن فائق شود و غلبه پیدا کند؛ وّالا مگر از اوّل انقلاب تا به حال با ما دشمنی کم بوده است؟ مگر ما از اوّل انقلاب تا الان بمب اتم داشته‌ایم؟ آنچه عزّت و کیان این ملّت را حفظ کرد، نظام اسلامی را سربلند و نام امام را جاودانه کرد، ایمان و عزم راسخ این مردم و ایستادگی و وحدت و یکپارچگی آنها بود. نکنند بعضی‌ها برخی از ساده‌لوحی‌ها و نسنجیده‌کاری‌ها را مرتکب شوند و بعضی حرفهای نسنجیده را بگویند و بعضی موضع‌گیری‌های نسنجیده را اتخاذ کنند و مردم را ناامید سازند! ضعفی در فلان دستگاه وجود دارد، فوراً نظام اسلامی را زیر سؤال ببرند که چرا این ضعف در این دستگاه هست. دستگاه‌ها، دولتها و مجموعه‌های کاری، کار خوب دارند؛ اشتباه و خطا و کار بد هم دارند که باید اصلاح شود؛ این چه ربطی به ترکیب و هندسه‌ی نظام اسلامی دارد که بعضی نسنجیده‌گویی میکنند؟ خیلی اوقات در این نسنجیده‌گویی‌ها، غرض هم نیست؛ بلکه نادانی است؛ نادانی‌هایی است که دشمن از آن استفاده میکند. این «نادان دوست» که در ادبیات و اشعار ما وجود دارد، یعنی همین... این مردم بانشاط، پرامید و پرتوان که این همه گردنه‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، میتوانند به قلّه برسند؛ چرا اینها را ناامید میکنید؟! اگر به قوی‌ترین کوهنوردها هم در وسط راه بگویند کم‌تر میشکند، پایت میشکند، سرت میشکند، چشمت کور میشود، نمیتوانی و میلغزی، در حقیقت مردّدش میکنند.^۱

• تقابل جبهه‌ای علیه دانشمندان کشور

فرض بفرمایید در کشور ترور اتفاق می‌افتد؛ شهید علی محمدی، شهید

۱. در دیدار جمعی از مدیران و مسئولان وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۱/۴/۲۶

شهریاری، شهید رضایی نژاد را ترور میکنند. خب، این یک کار تروریستی است. یک وقت به این مسئله به چشم یک عمل تروریستی ضد امنیت نگاه میکنیم؛ انسان غصه هم میخورد؛ چند تا دانشمند ما مورد اصابت جنایت دشمن - یک چند تا تروریست - قرار گرفتند. یک وقت نه، با همان چشم جبهه‌ای نگاه میکنید: این یک حرکت در مجموعه‌ی حرکت‌های خصمانه‌ی علیه نظام اسلامی است. مثلاً در جبهه‌ی جنگ مرزی با عراق - که هشت سال جنگ داشتیم - یک جا اگر چنانچه توپخانه‌ی دشمن کار کند، معنایش این نیست که دشمن با این جای بالخصوص کار دارد؛ این معنایش این است که این یک حرکتی است که دشمن دارد اینجا انجام میدهد، احتمالاً برای اینکه شما حواستان به اینجا منعطف شود، او به یک جای دیگر حمله کند - به قول خودشان حرکت‌های پشتیبانی، که این در واقع حيله است - یا برای این است که رزمنده‌ی ما را در اینجا تضعیف کند تا مثلاً بتواند یک حمله‌ی سراسری انجام دهد. وقتی با این چشم نگاه میکنید، معلوم میشود که دشمن به دنبال کوبیدن حرکت علمی در کشور است؛ یعنی یکی از حلقه‌های توطئه‌ی دشمن این است. چند تا حلقه‌ی به هم پیوسته وجود دارد؛ مثلاً حلقه‌های تحریم اقتصادی، ترویج ابتذال، ترویج مواد مخدر، کارهای امنیتی، ایجاد تزلزل در مبانی و مسائل اعتقادی؛ چه اعتقاد به اسلام، چه اعتقاد به انقلاب. اینها حلقه‌های گوناگون به هم پیوسته است؛ یکی از این حلقه‌ها هم - که مکمل این زنجیره است - کوبیدن حرکت علمی در کشور، با ترساندن دانشمند ما، با حذف دانشمند ما است. با این چشم به قضیه نگاه کنیم. اگر چنانچه به مجموعه‌ی دشمن به چشم یک جبهه‌ی مستمری که وظایف را تقسیم کردند، نگاه کنیم، آن وقت احساس مسئولیت ما در هر قضیه‌ای شکل تازه‌ای به خودش میگیرد.^۱

۱. در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۰/۵/۱۹

• تحقیر و مخالفت با استعداد ایرانی

سالهای متمادی گذشته و به این ملت و این هویت ملی ظلم شده؛ این را باید همه‌ی ما دائماً در برابر چشم داشته باشیم. در طول زمان، حقیقتاً به ملت ما ظلم شده است. توانایی و استعدادی که امروز در شماها هست، در همه‌ی دوره‌ها در نسل جوان و مردان و زنان کشور ما وجود داشته؛ اما استعداد انسانی احتیاج به تشویق، شناخت و تزریق روح اعتماد و امید دارد تا بتواند شکوفا شود. درست عکس این سیاست در دوره‌های مختلف عمل شده. مقصّر اصلی هم در این زمینه، حکومتها و سیاستها بودند؛ در این موضوع اصلاً نباید تردید کرد. بعضی میفهمیدند دارند چه کار میکنند؛ مثل اغلب مسئولان در دوران پهلوی، که دانسته و شناخته این راه را رفتند؛ یعنی از بُروز استعدادها جلوگیری میکردند. علت هم معلوم است؛ عقیده‌ی راسخ آنها این بود که ایرانی باید وابسته بماند. دشمنی آنها با نسل بااستعداد ایرانی، یک دشمنی طبیعی نبود. نه اینکه بخواهند واقعاً با اشخاص دشمنی کنند؛ نه، سیاستهای قاهر و مسلط جهانی از آنها این را خواسته بود.^۱

یکی از کارهای دشمن این است که آنچه را داریم، تحقیر کند؛ درست مثل بعضی از شرخرها و کهنه‌دل‌ها که اگر جنسی را بخواهند، توی سر جنس میزنند و آن را بی‌اهمیت میکنند تا دارنده‌ی آن جنس راحت آن را از دست بدهد! نظام اسلامی شما بسیار مهم، ارزشمند و بزرگ است؛ استعداد ملت ایران هم بسیار درخشان است؛ اما دشمن دائم توی سر جنس ارزشمند ما میزند. امام صادق (علیه‌السلام) به صحابی خود فرمود: «اگر تو گوهر درخشانی در دست داشته باشی که قدر آن را بشناسی، همه‌ی دنیا هم که جمع شوند و بگویند این ریگ است، باور نمیکنی؛ اگر یک ریگ هم در دست بگیري و همه‌ی دنیا شهادت بدهند که الماس است،

۱. در دیدار گروهی از مخترعان و نوآوران جوان کشور ۱۳۸۴/۱/۳۰

باز هم باور نمیکنی! مهم این است که بدانی چه در دست داری.» تلاش من این است که ملت ایران بداند چه سرمایه‌ی عظیمی در اختیار دارد و بداند چه امتداد باارزشی در دنیای اسلام دارد.^۱

• تلاش برای انکار دموکراسی در ایران

عزیزان من! بزرگ‌ترین هدیه‌ای که انقلاب اسلامی به این ملت داده است، این است که شرّ حکومت‌های فاسد و وابسته را که سالیان و سالیان بر این کشور و ملت و این مواهب الهی مسلط شده بودند، از سراسر این ملت و این کشور کم کرده است. امروز به فضل پروردگار، اداره‌کنندگان کشور، از خود این مردمند. امروز به همت و هوشیاری این ملت، بهترین شکل حکومت مردمی و دخالت آراء مردم در این کشور است. البته دشمن در تبلیغات خود، این را منکر میشود و باید هم بشود. از دشمن چه انتظاری است؟! اینجا، مردم با معیارهای مورد اعتقاد خودشان که همان معیارهای اسلامی است، انسانی را برای اداره‌ی امور اجرائی کشور و انسانهایی را برای قانونگذاری و هدایت مجریان انتخاب میکنند؛ آن هم با کمال آزادی و با تکیه به ایمان. این همان نکته‌ی استثنائی است. اگر در کشورهای معروف امروز عالم که ادّعای دموکراسی دارند، دعوای احزاب و تعصبات حزبی و کشمکشهای گوناگون سیاسی، انگیزه‌ی رأی دادن است، در ایران اسلامی و در این کشور سربلند و سرافراز، انگیزه‌ی رأی دادن فقط ایمان و تشخیص ارزشهای الهی و اسلامی است. این ارزش دارد. این اهمّیت دارد. و این امروز هست.^۲

• سرمایه‌گذاری در تخریب و تضعیف انتخابات

چرا دشمن این قدر هزینه و اصرار میکند که انتخابات ریاست جمهوری را

۱. در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان زنجان ۱۳۸۲/۷/۲۲

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

خلوت کند؟ آیا از این تلاش مذبوحانه‌ی دشمن، نباید فهمید که حضور در سر صندوقهای رأی و انتخابات، مشت محکمی به دهان آنها است؟ آیا از این ترفند محکوم به شکست، نباید فهمید که دشمن از حضور مردم در صحنه ناراضی است؟ این خود، راه بسیار روشن و تعیین‌کننده‌ای است.^۱

دشمن به همان اندازه‌ای که از اجتماع آراء در روز انتخابات ناراحت است، به همان اندازه هم در صدد است که اگر این تجربه به وسیله‌ی ملت ایران با موفقیت انجام شد، شیرینی انتخابات را به دهان مردم تلخ کند. از مدتی پیش نشسته‌اند و برای این قضیه برنامه‌ریزی میکنند. شایعه‌ی تقلب در انتخابات و صوری بودن آن را مطرح کردند، لطیفه و متل درست کردند و در دهان مردم انداختند؛ بعضی هم البته ناآگاهانه آنها را تکرار میکنند. من باید عرض کنم، شایعه‌ی اینکه در انتخابات تقلب خواهد شد، از طرف دشمن است. رادیوهای بیگانه، حرفهای دلسوزانه‌ی رئیس‌جمهور محترم را حمل بر چیزهای نامناسب و ناشایسته کردند. حتی بعضی از تحلیلگران و خودی‌ها هم از روی غفلت برداشتند آن مسئله را حمل بر این کردند که آیا چه چیزی قرار است اتفاق بیفتد! این حرفها چیست؟^۲

• تلاش دشمن برای خدشه‌دار کردن نظام قانونی

امام در ساخت و مهندسی نظام جمهوری اسلامی، همه‌ی عناصر و اجزائی را که میتواند این نظام را استوار و ماندگار کند، مورد ملاحظه قرار داد و با مهارت تمام این عناصر اصلی را در درون این بنای شامخ و مستحکم کار گذاشت. این عناصر اصلی عبارت است از اسلام، مردم، قانون‌گرایی و دشمن‌ستیزی. امام بزرگوار در بنای نظام شامخی که به

۱. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۷۲/۳/۱۴

۲. در دیدار خانواده‌های معظّم اسرا و مفقودان جنگ تحمیلی ۱۳۷۶/۲/۳۱

جای رژیم پوسیده‌ی سلطنتی در ایران بر سر کار آورد، این عناصر و اجزا را با دقت تمام کار گذاشت؛ در عمل خود به آنها پایبند و متعهد ماند و در پیام و بیان و تعالیم خود بر آنها پافشاری کرد. امروز هم مثل ۲۲ سال گذشته، همه‌ی کسانی که وجود نظام اسلامی را با منافع نامشروع خودشان ناسازگار می‌بینند و با آن دشمنی میکنند، بیش از همه با همین چهار عنصر مقابله میکنند. عمده‌ی تلاش آنها این است که یا عنصر اسلامیّت را از نظام بگیرند؛ یا تکیه بر مردم را - با همان معنای وسیع و بدیعی که امام به آن توجه داشت - از نظام سلب کنند؛ یا در بنای قانونی نظام خدشه کنند؛ یا هشیاری و بیداری دائمی در مقابل دشمن را از نظام بگیرند و بیداری را به خواب آلودگی و غفلت تبدیل کنند. لذا برای ما این چهار عنصر اهمیت پیدا میکند.^۱

• برنامه‌ریزی همه‌جانبه برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی مانند شوروی بنده به عنوان کسی که از اوّل این انقلاب تا امروز در مسائل گوناگون و در عرصه‌های مختلف این نظام، با جوانب و جریانهای گوناگون مواجه بوده‌ام؛ هم آدمها را می‌شناسم، هم حرفها را می‌شناسم و هم با تبلیغات رسانه‌ای دنیا آشنا هستم؛ به یک جمع‌بندی رسیده‌ام که به طور خلاصه این است: یک طرح همه‌جانبه‌ی آمریکایی برای فروپاشی نظام جمهوری اسلامی طرّاحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی شده‌ای است از آنچه در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. به نظر خودشان میخواهند همان طرح را در ایران اجرا کنند. دشمن این را میخواهد... البته در چند مورد هم دچار اشتباه شدند که این هم از الطاف الهی است. دشمنان ما در مواقع حسّاس در محاسبات خود دچار اشتباه میشوند. البته اینها اشتباهاتی نیست که

۱. در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) ۱۳۸۰/۳/۱۴

اگر من ذکر کردم، آنها بتوانند اصلاحش کنند؛ نه، اشتباه در شناختِ واقعیتها دارند. بر اساس این اشتباه برنامه‌ریزی میکنند و برنامه‌ریزی غلط از آب درمی‌آید؛ لذا موفق نمیشوند. آنها برای دفاع از رژیم پهلوی برنامه‌ریزی کردند و با همه‌ی قدرت هم ایستادند؛ منتها در شناختِ مسائل ایران، در شناختِ مردم، در شناختِ روحانیت و در شناختِ دین اشتباه کرده بودند؛ لذا شکست خوردند. اینجا هم سرنوشتشان جز این نیست و شکست خواهند خورد.^۱

• اخلال در نظام اقتصادی و تولید داخلی

امروز دشمن چشمش به نقطه‌ی حسّاس اقتصادی است تا بلکه بتوانند این کشور را از لحاظ اقتصادی دچار اختلال کنند. هر چه میتوانند اختلال ایجاد کنند و هر چه هم نمیتوانند، در تبلیغاتشان وانمود کنند که اختلال هست! این کاری است که امروز در تبلیغات دشمنان ما، با قدرت و به شکلهای مختلف انجام میگیرد. راه مقابله هم انضباط مالی و صرفه‌جویی و نگاه پرهیزگرانه‌ی به مصرف‌گرایی است... مصرف‌گرایی به صورت اسراف یکی از بیماری‌های خطرناک هر ملّتی است. ما یک خرده به این مصرف‌گرایی افراطی دچار هستیم... یکی از موارد اسراف، اسراف در آب است؛ نه فقط آبی که مصرف شرب در خانه‌ها میشود، نوع آبیاری کشاورزی ما هم یک نوع مسرفانه است و آب را هدر میدهیم.^۲

• مشکلات اقتصادی؛ بُرنده‌ترین حربه‌ی دشمن

اجزای نقشه‌ی دشمن چه چیزهایی است؟ اوّلًا تا آنجا که بتوانند —زورشان برسد و تیغشان ببرد— مشکلات اقتصادی برای کشور درست

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۹/۴/۱۹

۲. در دیدار با مردم شیراز ۱۳۸۷/۲/۱۱

کنند و بتراشند؛ تحریم اقتصادی کنند و به مجازات شرکتها پردازند -همینهایی که می شنوید- جلوی خط لوله‌ای را که فلان کشور می‌خواهد از اینجا بکشد، بگیرند! در امر تجارت کشور، اخلاص ایجاد کنند؛ مثل دو سال قبل که در دنیا بدروغ شایع کردند پسته‌ی ایران سرطان‌زا است! در باب صنایع غیر نفتی هم هر طور که میتوانند، بازارها را اشباع کنند، با دولتها و با کمپانی‌ها بسازند... در کنار این، در تبلیغات خودشان، نسبت به مسائل اقتصادی کشور، بزرگ‌نمایی هم بکنند. البته مشکلات اقتصادی هست؛ اما دولت ما هم که بیکار نیست، کار دیپلماسی و کار تجاری میکند. وزارت خارجه، وزارت بازرگانی، وزارت صنایع، وزارت راه و وزارت نفت، هر کدام از یک طرف، دائم مشغولند، دائم کار میکنند. در این دنیای بزرگ، بالاخره دشمن تلاش میکند. ما هم که دست و پایمان چلاق نیست! اقدام میکنیم و اقدام ما بر اقدام دشمنان -در بسیاری از موارد- فائق هم می‌آید؛ اما در تبلیغات بیگانگان، این بخش از فعالیتهای مسئولان کشور، مسکوت گذاشته میشود!... کاری میکنند که روحیه‌ی مردم را تضعیف نمایند و مردم احساس کنند که ای داد، چه اتفاقی می‌خواهد بیفتد! در حالی که اگر مردم بدانند دولت و مسئولینشان چه تلاشهایی میکنند، پشتشان گرم و دلگرم میشوند. اینکه هم در زمان امام (رضوان الله علیه) بارها ایشان به مسئولین میگفتند و ما هم بارها تأکید کرده‌ایم کارهایی را که انجام میدهید، به مردم بگویید -تا مردم بدانند شما چقدر کار میکنید- برای همین است. پس بزرگ‌نمایی در مورد مشکلات اقتصادی، بخش دیگری از توطئه است!

عزیزان من! شما بدانید که دشمن شما، دشمن این انقلاب، دشمن این نظام، بُرنده‌ترین حربه‌ای که در اختیار خواهد داشت، فقر و گرفتاری اقتصادی مردم است. روی این مسئله باید فکر کرد. گرفتاری‌های

۱. در دیدار مردم مشهد و زائران علی‌بن موسی الرضا(ع)، در صحن امام خمینی(ع) ۱۳۷۸/۱/۱

اقتصادی مردم، همین بیکاری‌ای است که در کلمات شما تکرار میشود و درست هم هست؛ همین کمبودها و همین مشکلات فراوان است. البته فسادهای گوناگون، سوءاستفاده‌های گوناگون، تبعیضهای گوناگون، مشکلات اداری و مشکلات قضائی هم در کنارش هست. اولویت اول برای شما این است که امید مردم را حفظ کنید. اولویت اول این است که شکم مردم را سیر کنید. میشود نشست و حرفهای روشنفکری زد؛ اگر فلان طور نشود، فلان طور نخواهد شد؛ اگر چنین نشود، چنان نخواهد شد؛ اما باید دید واقعیت چیست.^۱

• اقتصاد از نقاط امید دشمنان در فلج کردن نظام اسلامی

اگر چشمان بانصاف، وضع کنونی کشور را هم نگاه کنند، این موضوع را تصدیق میکنند. امروز این ملت و این دولت و این کشوری که هشت سال جنگ را بر آن تحمیل و مسلط کردند؛ کارخانه‌هایش را خراب کردند؛ راه‌هایش را نابود کردند؛ محاصره‌ی اقتصادی‌اش کردند؛ امکانات را از او بازگرفتند؛ هیچ دولتی هیچ کمکی به او نکرد و از داخل به وسیله‌ی کارهای سیاسی و تبلیغاتی هم انواع فشارها را بر آن وارد آوردند، برنامه‌های بازسازی و بخصوص کارهای زیربنایی را چنان دنبال میکند که ناظران هم به تحسین می‌پردازند. کسانی که می‌آیند و می‌بینند، هم برنامه و هم مجریان برنامه را تحسین میکنند. اگر فشار دشمن نبود، اگر دستهای خائن و تحریک‌شده‌ی دشمن نبود، اگر حضور تبلیغاتی و اقتصادی و سیاسی دشمن در پشت مرزهای ما نبود، وضع ما بمراتب بهتر از این بود و بسیاری از مشکلاتی که امروز از لحاظ اقتصادی در کشور هست، وجود نداشت.^۲

۱. در دیدار با نمایندگان دوره‌ی ششم مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۹/۳/۲۹

۲. در مراسم پنجمین سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) ۱۳۷۳/۳/۱۴

دشمن و رسانه



• سلاح ارتباطات رسانه‌ای؛ عامل رهنمود دادن دشمن به طرف‌دارانش

امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناک‌تر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَيْكَ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيَجْادِلُوكُمْ»^۱؛ دائم به اولیای خودشان ایحاء میکردند. خب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر میشود فرض کرد؟^۲

رسانه‌های خبری بیگانه که مظهر تمایلات و سیاستها و نیات خصمانه و اغراض خبیث سردمداران سیاستهای جهانی‌اند، بر روی هر کلمه و هر اشاره‌ای که از آن، بوی اختلاف و دودستگی استشمام شود و یا بتوان چنین وانمود کرد، شدیداً حساسیت نشان داده و با بزرگ کردن نکته‌های ریز و مطرح ساختن استنباط‌های دروغین از گفته‌ها و نوشته‌ها در ایران، به طور دائم در تلاشند که شاید بتوانند تصویری مشوّش و آلوده به اختلافات و زد و خورد داخلی از ایران اسلامی – که بحمدالله برخوردار از وحدت و یکپارچگی کم‌نظیری است – به مردم ایران و جهان ارائه دهند و زمینه‌ی دودستگی و نفاق را با این وسوسه‌ها به وجود آورند. اینها همه نشانه‌ی آن است که امروزه دشمن از همه‌ی راه‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی عاجز مانده و بدخواهانه در کمین اختلافات داخلی و شکست وحدت عمومی نشسته است.^۳

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۲۱؛ «و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه میکنند تا با شما ستیزه نمایند؛ و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید.»

۲. در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۷/۲

۳. پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰

• انبار برف در رسانه‌های دشمن

به تبلیغات دشمن نگاه نکنید. رسانه‌هایی که با پولهای حرام زورمندان و زرمندان اداره میشوند و جهت می‌یابند ارزشی ندارند. حرفهای آنها که از رادیوها پخش میشود فاقد ارزش است و قیمتی ندارد. آنها در حقیقت، برف انبار میکنند. معلوم است که هر چه میگویند ناشی از حقد و حسد و بغض نسبت به اسلام است. بالاتر از همه، ناشی از آن است که از اسلام میترسند. معلوم است که اسلام و قرآن برای زورمداران و قدرت‌مدارانی که دنیا را برای خودشان میخواهند و امروز، ملت ما بحق، آنها را استکبار جهانی مینامد، خطرناک است.^۱

• وظیفه‌ی رسانه‌ها در برابر بهانه‌جویی‌های دشمن

دشمنان این کشور، دشمنان این انقلاب و دشمنان دین، با توجّه به همین حقیقت، مدّتها است که برای مخاطبین جوان برنامه‌ریزی میکنند. ممکن است ما غفلت کرده باشیم؛ اما دشمن ما غفلت نکرده است! سعی دارند به وسیله‌ی رادیوها، جزوه‌ها، ابزارها و روشهایی که متناسب با طبیعت جوان و شهوات قشرهایی از جوانان هم هست، دلها و فکرای آنها را متوجّه و تسخیر کنند و در آنها اعمال نفوذ نمایند.... بایستی اینها را برای مردم، بخصوص برای جوانان تبیین کنید. اگرچه ملت ما بحمدالله این بخش مسئله را از بن دندان معتقدند، آن را پذیرفته‌اند، با همه‌ی وجود از آن دفاع کردند و در هشت سال دفاع مقدّس، خونهایشان را در حاکمیّت دین خدا دادند و امروز هم همان‌طور است؛ لیکن نباید از کید دشمن غافل شد. نباید از تلاش دشمن غافل شد. آنها کار میکنند، برای اینکه در درازمدّت، بهره‌ی آن را ببرند؛ استفاده‌ی آن را بکنند.^۲

۱. در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام به مناسبت عید مبعث ۱۳۷۳/۱۰/۱۰

۲. در دیدار علما و روحانیون در آستانه‌ی ماه محرم ۱۳۷۷/۲/۲

• لزوم آگاهی در برابر پیشرفتهای فناوری دشمن

امروز سلطه‌گران در همه جای دنیا - هر جایی به تناسب - در فکر سلطه‌ی فرهنگی‌اند؛ یک نمونه‌اش هم همین ماهواره است... این منطق درست نیست که ما بگوییم چون تا پنج سال دیگر فناوری ماهواره پیشرفت خواهد کرد و بدون بشقاب هم مردم ممکن است تصاویر ماهواره را بگیرند، پس از حالا جلوییش را باز کنیم! این منطق، منطق صحیحی نیست. آن کسی که این منطق را مطرح میکند، باید بگوید برای جلوگیری از آن، چه کار تازه‌ای باید کرد. این منطق و استدلال، این گونه باید نتیجه بدهد. البته دشمن فناوری را پیشرفته میکند. در مقابل، شما باید فکر کنید که با تطوّر و پیشرفت فناوری ماهواره، چه کارهایی را میتوانید انجام دهید تا از نفوذ ماهواره جلوگیری کنید. اما این استدلال، که چون دشمن پیشرفت میکند، پس ما بیاییم هر مانعی را از جلوی راهش برداریم، منطقی نیست.^۱

• جهت‌گیری‌های رسانه‌ای

ببینید برای این رادیوها و تلویزیونها و این شبکه‌های اطلاع‌رسانی که هدفشان کشور ما است، چقدر سرمایه‌گذاری شده است. آنها چند برابر سرمایه‌گذاری‌ای که ما برای صداوسیماي خودمان میکنیم، سرمایه‌گذاری کرده‌اند. اگر آن‌طور که آنها پیش خودشان محاسبه کرده بودند پیش میرفت، امروز باید اثری از اسلام و ایمان و جمهوری اسلامی باقی نمانده باشد؛ چون فعالیت آنها مربوط به امروز و دیروز که نیست، بلکه آنها از روز اوّل پیروزی انقلاب کارشان شروع شد و روزه‌روز دارند کار خود را توسعه میدهند و شدّت میبخشند. الحمدلله رسانه‌ی ملی ما به خودش پرداخته و واقعاً خودش را متناسب با حضور در این میدان، تا

۱. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه‌ی امام خمینی (ع) ۱۳۷۸/۲/۲۸

آنجایی که میتوانسته، حاضرپراق و آماده کرده و وارد میدان شده است؛ شما میتوانید.

من به شما عرض کنم که جهت‌گیری اساسی صداوسیما باید درست نقطه‌ی مقابل همان جهت‌گیری‌ای باشد که آنها دارند. آنها میخواهند فرهنگ ملت را از گرایش به ایمان، ارزشها و گرایش به اصول اسلامی و استقلال هویت ملی برگردانند. شما باید درست نقطه‌ی مقابل این کار را مورد اهتمام خودتان قرار دهید. آنها میخواهند وحدت ملی را از بین ببرند؛ آنها میخواهند ائتکاء به نفس جوانان را از بین ببرند؛ آنها میخواهند افق مقابل چشم نسل جوان ما را تیره و مبهم و وهم‌آلود جلوه بدهند؛ آنها میخواهند حتی مدیران ارشد سیاسی کشور را از اقدام شجاعانه در مسائل گوناگون منصرف کنند و آنها را بترسانند - از مهم‌ترین ابزارهای استکبار، همین قدرتها و سلطه‌های جهانی، ترساندن است. از قدیم هم همین‌طور بوده است. این نامه‌هایی که «فان الحرب اولها کلام» در آغاز جنگها شنیده‌اید و دیده‌اید که پادشاهان برای رقبای سیاسی خودشان به کشورهای مختلف میفرستادند، پُر از تهدید و پُر از به رخ کشیدن قدرت خود بود؛ اینها برای این بود که تهدید، تهدیدی که منجر بشود به ترسیدن طرف مقابل، نقش مهمی را در پیروزی ایفا میکند؛ که امروز هم سرمایه‌گذاری مهمی برای این کار میشود - تا جرئت اقدام را از اینها بگیرند و این مدیران را نگران وضعیت آینده کنند... شما باید درست نقطه‌ی مقابل آنها حرکت کنید.^۱

• نقش رسانه‌ی ملی در مقابل تبلیغات دشمن

الان رسانه‌های زیادی در دنیا هستند که با تبلیغات خود، کار براندازی را به شکل سنتی انجام میدهند! این کار، خیلی هم عملی است. یعنی

۱. در جمع کارکنان سازمان صداوسیما ۱۳۸۳/۲/۲۸

اگر واقعاً نظامی روی پای خود محکم نباشد، راحت میشود آن را با یک رادیوی برون مرزی از صحنه خارج نمود و نابود کرد؛ همین کاری که الان ابرقدرت‌ها نسبت به انقلابهای گوناگون و بیش از همه نسبت به ما میکنند. منتها آنها کور خوانده‌اند؛ چون نظام ما پایهی محکمی دارد و روی دوش مردم و در دل آنها است.

شما باید در مقابل این حرکت موزیانه‌ی رسانه‌ها، واقعاً سینه سپر کنید. هر جا رسانه‌ها روی نقطه‌ای تکیه میکنند، شما اگر قبلاً پادزهرش را نداده‌اید، بعداً بدهید. تبلیغات دروغی که آنها الان میکنند، رسانه‌های ما باید در مقابلش خیلی قوی بایستند. شما بایستی ابتکار هم بکنید.^۱ بایستی فهرست پیامها را شناخت. نخست ببینیم که ما چه چیز را باید به ذهن مردم منتقل کنیم تا مردم قدرت پیدا کنند در مقابل زیاده‌خواهی، اقتدارطلبی و تهاجمهای گوناگون دشمن به دفاع از خود بپردازند و دستگاه‌های مسئول کشور بتوانند به نیروی مردم اعتماد و تکیه کنند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند. پس، اول باید این پیامها را شناخت؛ بعد که شناخته شد، باید تولید شود. تولید کلام و تصویر و فضا و محیطی که بشود آن پیام را القا کرد، یکی از مهم‌ترین کارهایی است که امروز هنر تبلیغ و پیام‌رسانی به آن مژگی است. اگر در تولید، پایمان بلند یا بلغزد، اشتباه یا کوتاهی بکنیم، حتماً ضربه را خورده‌ایم. بعد از آنکه این پیامها تولید شد، باید آنها را مدیریت کرد؛ چون هنگامی یک مجموعه کالای مطلوب به نتیجه و به سرمنزل حقیقی و صحیح خود خواهد رسید که مدیریتی بالای سرش باشد؛ این پیام در کجا باید داده شود، به چه اندازه باید داده شود، بهنگام باشد، با زبان مناسب باشد و تلفیق اینها در قالبهای گوناگون قابل قبول باشد.^۲

۱. در دیدار با مسئولان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۹/۵/۷

۲. در دیدار مدیران صداوسیما ۱۳۸۱/۱۱/۱۵